



سرمایه‌های انسان

قسمت اول: کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با ویژگی‌های انسان و تأثیر آن ویژگی‌ها در سرنوشت او
- ۲- اهداف آموزشی:
 - شناخت فضیلت‌ها و اوصاف انسان در قرآن کریم
 - تبیین سرمایه‌های رشد و عوامل سقوط در وجود انسان
 - درک ضرورت خودشناسی و تأثیر آن در برنامه‌ریزی زندگی.

ب) پیش‌دانسته‌ها

دانش‌آموزان باید با مفاهیمی چون منزلت، کرامت، خلیفه و جانشین، ویژگی‌های یک موجود مادی و جسمانی و رؤیا آشنا باشند؛ در غیر این صورت، دبیر باید در ضمن درس توضیحات لازم را در این زمینه ارائه دهد.

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- سرشت خدا آشنا؛ منظور از سرشت، خصوصیت ذاتی و درونی افراد است که خداوند در ساختار خلقت آنها قرار داده است و جنبهٔ اکتسابی ندارد؛ یعنی، این‌گونه نیست که افراد بتوانند آن را با آموزش به‌دست آورند بلکه آموزش به رشد آنها کمک می‌کند نه اینکه آنها را ایجاد کند.
 - ۲- وجدان اخلاقی؛ به حالتی در انسان گفته می‌شود که او را دعوت به خیر می‌کند و از بدی باز می‌دارد و در قرآن کریم از آن تعبیر به «نفسِ لَوَامِه» شده است.
- برای مثال، وقتی قرآن کریم می‌فرماید «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»، وجدان هر شخصی

می‌گوید: «آری، جزای احسان، احسان است.» بنابر تعبیر استاد شهید مطهری، وجدان احساس مقدسی در درون انسان است که به او فرمان می‌دهد؛ به گونه‌ای که انسان وقتی کار بدی انجام می‌دهد، از درون خود را ملامت می‌کند و چون کار خوبی انجام می‌دهد، احساس رضایت می‌کند و خود را تحسین می‌کند.

۳- عقل؛ قوه‌ای در انسان است که می‌تواند تفکر و استدلال کند و درستی را از نادرستی تشخیص دهد و خوبی را از بدی جدا سازد.

د- ارتباط با درس قبل

درباره ارتباط این درس با درس دوم، در ابتدای درس توضیح داده شده است. همان‌طور که در آنجا گفتیم، انسان همانند سایر موجودات جهان خلقت و همراه با کاروان هستی رو به سوی خدا دارد اما با این تفاوت اساسی که بازگشتش به سوی خدا با ویژگی‌های خاصی همراه است که با عنوان «معاد» بررسی می‌شود. قبل از اینکه بحث معاد را آغاز کرده و درباره آینده و اثر انسان بحث کنیم، در دو درس زمینه‌های این آینده و اثر را در انسان جست‌وجو می‌کنیم.

در واقع، ما در این دو درس (سوم و چهارم) به آن دسته از خصوصیات انسانی می‌پردازیم که در سرنوشت و اثر او در معاد مؤثر است. پس مباحث انسان‌شناسی به این دلیل مطرح می‌شوند که بتوانیم نوع خاص معاد انسان را بهتر دریابیم و دیگر در بحث معاد به ذکر برخی ویژگی‌های انسان نیازی نباشد. این امر سبب می‌شود که این دو درس انسان‌شناسی، هم با جهان‌شناسی و هم با معادشناسی، ارتباط پیدا کند و لذا جنبه کاربردی آن برای دانش‌آموز روشن‌تر شود.

ه- محورهای اصلی درس

- ۱- آینده انسان، آینده و اثره‌ای است که ریشه در خصوصیات انسان شناسانه وی دارد.
- ۲- دو سؤال از سؤال‌های اصلی انسان، این است که «من کیستم؟» و «جایگاهم در عالم هستی کجاست؟»
- ۳- قرآن کریم به این سؤال‌های اصلی انسان به تفصیل پاسخ گفته و حقیقت او را بیان کرده است.
- ۴- انسان دارای کرامت ذاتی است.
- ۵- انسان می‌تواند با عقل خود زشتی‌ها و زیبایی‌ها را درک کند.

- ۶- خداوند، انسان را به هدف رسیدن به خود و بهشت خود آفریده است.
- ۷- انسان، صاحب اختیار و اراده و مسئول کار خویش است.
- ۸- انسان دارای سرشت خدا آشنا، گرایش به خیر و نیکی و وجدان اخلاقی است.
- ۹- نفس اماره و شیطان مانع رسیدن انسان به کمال می‌شوند.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت‌های یاددهی – یادگیری

الف) ارزش‌یابی از درس قبل

برای تحکیم آموخته‌های جلسه قبل و به منظور ورود به درس جدید، ابتدا از درس قبل ارزش‌یابی به عمل می‌آید. فعالیت‌هایی که برای ارزش‌یابی در نظر گرفته شده، در روش تدریس درس دوم ذکر شده است. فعالیت‌هایی که در پایان جلسه قبل ارزش‌یابی نشده‌اند یا فعالیت‌های در خانه، باید ارزش‌یابی شوند.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

با طرح دو سؤال مهم می‌توان دانش‌آموزان را آماده ورود به بحث کرد. این دو سؤال عبارت‌اند از:

۱- «من کیستم؟»

۲- «جایگاهم در جهان هستی کجاست؟»

این دو سؤال به بحث گذاشته و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا نظر و برداشت خودشان را بگویند، نه آنچه در کتاب‌ها آمده است یا در این درس خواهند خواند. آنان ممکن است برداشت‌های متناقضی را مطرح کنند. همین نظرات متفاوت، به دیر فرصت مناسبی می‌دهد تا وارد بحث شود، نظر دانش‌آموزان را نقد کرده و نظر صحیح را مطرح کند.

ج) اجزای تدریس

این درس مشتمل بر اجزای زیر است:

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	تبیین ضرورت شناخت خود
۳	تعیین سرمایه‌های انسان
۴	تبیین عوامل گناه در انسان
۵	توضیح درباره متن‌های بیشتر بدانیم

۱- قرائت و ترجمه

قرائت درس با تأکید بر تلفظ صحیح کلمات، تمرین می‌شود و سپس ترجمه آیات تکمیل می‌گردد.

۲- تبیین ضرورت شناخت خود

دبیر محترم با استفاده از مقدمه درس و سیری که انسان در پیش دارد، و نیز با بهره‌گرفتن از احادیث و اشعار، انگیزه دانش‌آموزان برای خودشناسی را تقویت می‌کند.

توجه کنیم که خودشناسی بر دو قسم است :

اول، خودشناسی به معنای انسان‌شناسی. یعنی هرکس ویژگی‌های انسانی خود را بشناسد و بداند که به عنوان نوع انسان دارای چه خصوصیتی است.

این خصوصیات، مشترک در افراد انسان‌هاست و اختصاص به فرد خاصی ندارد. دوم، خودشناسی به معنای اینکه هرکس خصوصیات روحی و روانی و نقطه ضعف‌ها و قوت‌های خود را بشناسد تا بتواند برای خود برنامه‌ریزی کند.

مقصود از خودشناسی در این درس، معنای اول است که به معنای انسان‌شناسی نیز هست. این شناخت، هر قدر عمیق‌تر و جدی‌تر باشد، هدف‌گذاری فرد در زندگی بنیادی‌تر و درست‌تر خواهد بود.

۳- تعیین سرمایه‌های انسان

تبیین و توضیح هریک از سرمایه‌های وجودی انسان با دو فعالیت همراه است. یکی مشخص کردن آیاتی که هریک از ارزش‌ها از آن‌ها گرفته شده، دیگری نام‌گذاری آن ویژگی و ارزش. بنابراین، خوب است که ابتدا دبیر توضیحی درباره هر ویژگی بدهد و سپس از دانش‌آموزان بخواهد که آیه مربوط به این ویژگی را مشخص کنند. آنگاه به دانش‌آموزان فرصت دهد که نام مناسبی

برای آن ویژگی انتخاب نمایند.

تذکره اول: در هنگام توضیح هر ویژگی، دبیر باید به گونه‌ای عمل کند که نام آن را در لابه‌لای جملات خود بر زبان نیاورد، تا دانش‌آموزان، خود به آن نام برسند.

تذکره دوم: در هنگام مشخص کردن آیات، از دانش‌آموزان بخواهیم که عبارت مربوط به آن ویژگی را بخواند و فقط به کلّ آیه اشاره نکند.

تذکره سوم: معمولاً دانش‌آموزان، نام‌های مشابه و نزدیک به هم خواهند گفت. بهتر است دبیر به آن نامی بیشتر توجه کند که در عین مرتبط بودن با متن، که نتیجه تفکر خود دانش‌آموز بوده و از کتاب‌های کمک آموزشی گرفته نشده است.

اینک ویژگی‌ها:

ویژگی اول، مربوط به جایگاه انسان در نظام خلقت و تفاوت او با سایر موجودات است. این ویژگی از دو عبارت «ولقد کرمنا بنی آدم» و «فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً» از آیه ۷۰ سوره اسراء گرفته شده است. نام‌هایی مانند «کرامت انسان»، «برتری انسان بر سایر موجودات» به این ویژگی اشاره دارد.

ویژگی دوم، قدرت عقل و تفکر است که سبب می‌شود انسان بتواند راه درست را از راه غلط تشخیص دهد و به حقایق پی ببرد. آیات ۱۸ و ۱۹ سوره زمر درباره این ویژگی انسان است.

ویژگی سوم، قدرت اختیار و انتخاب است. این قدرت است که سبب می‌شود که انسان مسئول اعمال خودش باشد و عواقب کارهای خود را هم در دنیا و هم در آخرت بر دوش بگیرد. در آیه سوم سوره انسان به این ویژگی اشاره شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید که ما راه رستگاری و سعادت را به انسان نشان می‌دهیم. این خود انسان است که می‌تواند شاکر باشد و این راه را بپذیرد و به خوشبختی برسد و می‌تواند ناسپاس باشد و کفران نعمت کند و از راه حق سرپیچی نماید و به شقاوت برسد.

ویژگی چهارم، فطرت خدا آشنا و خداگراست. یعنی خداوند به گونه‌ای ما را خلق کرده و خلقت ما را طوری قرار داده که

اولاً وقتی با خود تأمل می‌کنیم و به خود می‌نگریم، خدا را می‌یابیم، همچنین جهان را نشانه و تجلی بخش قدرت، علم و حکمت او می‌بینیم.

ثانیاً انسان محبت و دوستی به خداوند را در خود احساس می‌کند. زیرا او را سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها، و به عبارت بهتر، عین خوبی و زیبایی می‌یابد. «ان الله جمیل و یحب الجمال». او

عین خیر است. از این روست که پرستش خداوند یکی از مهم‌ترین گرایش‌های درونی انسان است. شهید مطهری از چهار گرایش اساسی در انسان نام می‌برد:

۱- گرایش به حقیقت (حقیقت‌طلبی)

۲- گرایش به پرستش و عبادت

۳- گرایش به خیر اخلاقی (فضائل)

۴- گرایش به زیبایی

این چهار گرایش، حقیقتاً به معنای گرایش به خداست. زیرا حقیقت مطلق، معبود مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق خداوند است.

آیه ۳۰ سورة روم بیان می‌کند که خداوند دین خود را بر پایه فطرت الهی انسان تنظیم کرده است. یعنی دین که برنامه زندگی است، برنامه‌ای است منطبق با ویژگی‌های خلقی انسان. خداوند دین را فرستاده تا انسان‌ها با عمل به آن استعدادها را فطری خود را شکوفا کنند و به کمال رسانند. سعادت و رستگاری انسان در گرو شکوفایی همین استعدادهاست.

ویژگی پنجم که به گونه‌ای در داخل ویژگی چهارم قرار دارد، گرایش انسان به خیر و نیکی است. هر انسانی عدالت، شجاعت، ایثار و ... را دوست دارد و از ظلم، زبونی، بخل و مانند آن‌ها بیزار است. یعنی انسان فطرتاً به فضیلت‌های اخلاقی گرایش دارد و از رذائل اخلاقی متنفر است.

قرآن کریم به این ویژگی در آیات ۷ و ۸ سورة شمس اشاره کرده است. مطابق با این آیه خداوند فجور و تقوا را به انسان الهام کرده. یعنی هر انسانی در درون خود درمی‌یابد که زشتی و گناه چیست و تقوا چه می‌باشد. مقصود از این آیه، آن نیست که خداوند هم استعداد زشتی به انسان داده و هم استعداد خوبی و در نتیجه، هم گرایش به خوبی داشته باشد و هم گرایش به بدی. مقصود آیه آن است که انسان زشتی و زیبایی و بدی و خوبی را درک می‌کند و چون می‌داند که چه چیزی بد است، گرایش به آن ندارد.^۱

نفس انسان، از آن حیث که گناه و تقوا را درک می‌کند، «نفس لوّامه» نام دارد. این نام به خاطر آن است که وقتی انسان گناهی مرتکب می‌شود، خودش، خودش را سرزنش می‌کند و از ارتکاب گناه پشیمان می‌شود.

ششمین سرمایه برای حرکت انسان به سوی رشد و رستگاری، هدایت الهی و امدادهای اوست که به کمک انسان می‌آید و از انسان دستگیری می‌کند و با نیرویی مضاعف او را به پیش می‌برد.

۱- درباره این که اگر انسان گرایش به بدی ندارد، پس چرا به سوی آن می‌رود، در بخش تمهیدات توضیح خواهیم داد.

هدایت الهی به صورت ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی و ائمه معصومین می باشد آنان مردم را انداز می کنند و بشارت می دهند و با روش های مناسب به تبلیغ دین می پردازند.

علاوه بر این هدایت الهی، که برای همه انسان هاست، هرکس در مسیر حق قرار بگیرد و در راه خدا تلاش و جهاد نماید و برای رضایت او استقامت و پایداری کند، از امدادهای غیبی او برخوردار می شود، در جاهایی که خود انسان پیش بینی نمی کند به موفقیتهای بزرگ می رسد و درهای به ظاهر بسته به روی او باز می شود.

آیه ۶۹ سوره عنکبوت این حقیقت را برای مردم بیان کرده است.

۴- تبیین عوامل گناه در انسان

پس از مشخص کردن سرمایه های رشد و کمال در انسان و انجام فعالیت های آن، نوبت به تعیین عوامل سقوط و گناه می شود. در اینجا نیز دو عامل مشخص شده است: یک عامل درونی و یک عامل بیرونی.

ابتدا دیر به تبیین هر کدام می پردازد، سپس از دانش آموزان می خواهد که آیه مربوط به آن عامل را مشخص کنند و نام مناسب آن را هم ذکر نمایند.

اولین عامل، نفس اماره است. نفس اماره، آن جنبه ای از نفس است که ما را دعوت به لذت های مادی می کند و آتش هوس را در انسان تقویت می کند و به سمت لهو و لعب می کشاند و این تحریک به گونه ای است که اگر انسان نتوانست از راه مشروع و صحیح به آن لذت های مادی برسد، وادار می شود که از طریق غیر مشروع و گناه به آن ها برسد.

در واقع، انسان ابتدائاً و مستقیم گناه را نمی خواهد و به سوی گناه که عبارت از دروغ، ظلم، تجاوز به اموال و ناموس دیگران و مانند آن هاست، نمی رود. بلکه نفس اماره و هوس او را دعوت به لذت های مادی مانند لذت جنسی، لذت غذا، پول، ثروت و قدرت می کند. انسانی که همه توجهش این لذت ها شد و به افراط کاری در این لذت ها پرداخت، چون می بیند از راه مشروع و درست نمی تواند پاسخگوی هوس خود باشد، به دروغ، ظلم و تجاوز رو می آورد تا به ارضای هوس خود پردازد.

تذکر ۱: این بحث با بحث اهداف اصلی و فرعی در سال اول ارتباط دارد. در آنجا بیان شد که اهداف دنیایی که همان لذت ها و امور مادی دنیا هستند، در صورتی که به عنوان هدف فرعی انتخاب شوند نه تنها بد نیستند بلکه لازم و ضروری هستند و به ما در رسیدن به هدف های اصلی کمک می کنند. اما کسی اهداف مادی دنیا را به عنوان هدف اصلی برمی گزیند، همان کسی است که به دنبال هوس خود

رفته و نسبت به اهداف اصلی و پایان ناپذیری توجه است و آن اهداف را فدای این اهداف کرده است. به همین جهت ظلم می‌کند تا به مال برسد، به حقوق دیگران تجاوز می‌کند تا به لذت جنسی برسد و سایر گناهان را مرتکب می‌شود تا به هوس‌های خود برسد.

انسان مؤمن و دیندار که تابع برنامه‌های الهی است، به لذت‌های مادی آن اندازه توجه می‌کند که بتواند زندگی سالمی داشته باشد و در این زندگی سالم به عبادت خداوند و کسب فضائل و صفات نیک بپردازد و به سعادت جاوید برسد.

آیه ۱۶ سوره ق به این نفس وسوسه‌گرا اشاره می‌کند. اصطلاح «نفس اماره» از آیه ۵۳ سوره یوسف گرفته شده است. در این آیه، حضرت یوسف (علیه السلام) می‌فرماید :

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي	من خود را تبرئه نمی‌کنم
إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ	که نفس آدمی بسیار به بدی فرمان می‌دهد
إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي	مگر آنکه پروردگارم رحمت آورد
إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ	همانا پروردگارم آمرزگار و مهربان است

در این آیه، حضرت یوسف (ع) با فروتنی و تواضع از نفس انسان خبری می‌دهد نفسی که فرمان‌دهنده و دعوت‌کننده به بدی است. از این رو آن را «نفس اماره به بدی» نام داده‌اند و به صورت خلاصه، «نفس اماره» می‌گویند.

عامل دوم، که عامل بیرونی است، شیطان است. آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره کار شیطان و نقش او در گمراهی انسان را توضیح می‌دهد.

در این آیات، خداوند از انسان می‌خواهد از وسوسه‌های شیطان پیروی نکند. زیرا او دشمن انسان است و این دشمنی را اعلام کرده است. در داستان خلقت حضرت آدم و سجده فرشتگان برای انسان، آمده است که شیطان که در مقام فرشتگان و در جمع آنان قرار گرفته بود، استکبار ورزیده و سجده نکرد و از درگاه خداوند رانده شد و سوگند یاد کرد که از هر طرف وارد شود و انسان را گمراه کند و گرفتار عذاب نماید و با خودش به آتش درآورد.

تذکر ۲: ما باید بتوانیم دشمنی شیطان و کینه او نسبت به انسان را برای دانش‌آموزان به صورت جدی مطرح کنیم تا او قطعاً خطر شیطان را دریابد و نسبت به کارها و وسوسه‌های او وا همه داشته باشد

و در مقابل وسوسه‌های او ایستادگی نماید.

همچنین باید نشان دهیم که شیطان هیچ اختیاری نسبت به انسان ندارد و کارش فقط وسوسه‌گری است. این وسوسه، اختیار و مسئولیت انسان را از بین نمی‌برد. وسوسه شیطان گاهی در قالب وسوسه‌های یک دوست بد جلوه می‌کند. یعنی آن دوست بد واسطه شیطان می‌شود و به سراغ ما می‌آید.

راه درونی وسوسه شیطان، همین نفس اماره است. همین نفسی که ما را تحریک می‌کند تا برای رسیدن به لذت‌های مادی به راه مشروع و درست قناعت نورزیم و از راه گناه و نامشروع وارد شویم. بنابراین اگر ما بتوانیم نفس اماره را کنترل کنیم، می‌توانیم مانع ورود شیطان به درون خود شویم.

تذکر ۳: یکی از جریان‌های منحرف فرهنگی و اعتقادی که در دنیای شیوع پیدا کرده، جریان شیطان پرستی است. عامل اصلی زمینه رشد چنین اندیشه‌ای، خود ماهیت تمدن جدید است که به علت قرابت آن در بسیاری از محورها با اندیشه‌های شیطانی و غیرالهی، فرصت رشد این جریان را فراهم کرده است. اگر ما در داستان هبوط حضرت آدم (ع) به زمین دنیا دقت کنیم، و آن را با شرایط عصر جدید تطبیق دهیم، می‌توانیم این قرابت را بیابیم که در اینجا مجال گفتن آن نیست.

همین قدر اشاره می‌کنیم که قرآن کریم توضیح می‌دهد که هدف پشت پرده شیطان از ترغیب آدم و حوا برای خوردن میوه ممنوعه، پدیدار شدن شرمگاه و بدی‌های جنسیتی آن‌ها و در یک کلام، برهنگی بود تا بدین وسیله زمینه فساد آن‌ها را فراهم کند. اما آدم و حوا که دارای عفاف فطری بودند، همین که برهنگی خود را دریافتند، با برگ و شاخ درختان جنگل خود را پوشاندند و از فساد رهایی یافتند.

خداوند، پس از نقل این داستان، با جملاتی مؤثر و تنذیری به بنی آدم هشدار می‌دهد که شیطان شما را نفربید و به برهنگی نکشاند و در فساد غوطه‌ور نکند.^۱ اگر بخواهیم یکی از ویژگی‌های فرهنگی عصر جدید را بیان کنیم که آن را از تمام دوران‌های گذشته متمایز کند، ویژگی «برهنگی» است. و این از قرابت‌های فرهنگی عصر جدید با فرهنگ شیطانی است.

چگونه می‌شود که برخی از انسان‌ها کارشان در انحراف و فساد به جایی می‌رسد که دشمن حقیقی خود را می‌پرستد و شیطان پرستی شکل می‌گیرد، نیازمند تحلیل و بررسی است و این تحلیل فقط با استناد به قرآن کریم و روایات معصومین بزرگوار امکان‌پذیر است.

دیران محترم، بدون اینکه بخواهند به جریان‌های شیطان پرستی در کلاس اشاره کنند، باید

دشمنی شیطان با بنی آدم را با زبان مناسب و تحلیل درست برجسته کنند تا دانش آموزان کینه درونی خود را نسبت به شیطان و شیطان صفتی حفظ نمایند.

۵- تبیین قسمت های «بیشتر بدانیم»

در آخر این درس، سه متن با زمینه آبی آمده است که برای توجه بیشتر دانش آموزان نسبت به محبت دوستی خدا با انسان و دشمنی شیطان با اوست.

در متن اول، جنگ درونی انسان میان نفس لواحه و نفس اماره یا به تعبیر شهید مطهری، میان خود عالی و خوددانی، میان بُعد الهی و شیطان را برجسته می کند و به دانش آموزان هشدار می دهد که متوجه این جنگ باشند. زیرا انسان هر لحظه در حال انتخاب است و همواره در معرض امتحان. از ابتدای صبح تا آخر شب، در هر کاری که پیش می آید می تواند دو گونه عمل کند: یا آن گونه که خدا فرمان داده یا آن طور که شیطان دعوت می کند: راست بگوید یا دروغ، زبان خود را حفظ کند یا غیبت بگوید، به نامحرم نگاه نکند یا نگاه کند و ...

یکی از برنامه های اصلی که در سال اول آموزش داده شده، «مراقبت» است. آدمی باید همواره مراقب و ناظر کار خود باشد تا در جنگ با شیطان مغلوب نشود.

متن دوم درباره جایگاه ارزشمند انسان در پیشگاه خداست.

متن سوم سرزنش انسان هایی که فریب دشمن را خورده اند و مطیع او شده اند. اینان به جای دشمنی با شیطان که دشمن حقیقی است، دوستی با او را برگزیده اند و به جای دوستی با خداوند که دوست واقعی اوست، دشمنی با او را پیش گرفته اند.

د) اندیشه و تحقیق

در بخش اندیشه و تحقیق سه پرسش مطرح شده است.

در پاسخ به پرسش اول، دانش آموزان ارزش های وجودی انسان را که در درس آموخته اند، استخراج و یادداشت می کنند؛ مانند کرامت ویژه انسان، قوه عقل و فطرت خدا آشنا و خداگرا در پرسش دوم، از دو آیه آخر سوره «قمر» سؤال شده است. در این دو آیه، مشخص شده است که اگر انسان اهل تقوا باشد، در میان باغ ها و نهلهایی که نزد خدای بزرگ و مقتدر است، زندگی خواهد کرد.

در سؤال سوم، توجه دانش آموزان به این نکته جلب می شود که شیطان، جز وسوسه کردن، نمی تواند کاری انجام دهد و انسان مسئول اعمال خودش می باشد.

در سؤال چهارم، دانش‌آموزان سرمایه‌های رشد را با عوامل سقوط مقایسه می‌کنند و درمی‌یابند که انسان توانایی غلبه بر عوامل سقوط را دارد. همچنین مقایسه می‌کند که کدام عامل در مقابل کدام سرمایه رشد قرار گرفته است. مثلاً نفس‌اماره در مقابل نفس‌لّوامه است و وسوسه‌های شیطان در مقابل تعلیمات انبیاء و اولیای خدا و امدادهای الهی است.

هـ) پیشنهاد

در این قسمت، دو پیشنهاد ارائه شده است :

پیشنهاد اول؛ برای دانش‌آموزانی است که استعداد هنری دارند و می‌توانند خطاطی یا طراحی کنند. خوب است اینگونه دانش‌آموزان را به انجام این فعالیت تشویق کنیم و رقابت سازنده میان آنان ایجاد کنیم تا استعداد خود را در این مسیر به کار بگیرند.

پیشنهاد دوم؛ برای تشویق دانش‌آموزان به برنامه‌ریزی است. خوب است در این مورد نیز مقداری وقت بگذاریم و از دانش‌آموزان بخواهیم که جدول را در منزل تکمیل کنند و هرکس بهتر تکمیل کرده تشویق شود.

و) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس، موارد زیر باید مورد ارزشیابی قرار گیرد :

- قرائت و ترجمه آیات
- تبیین سرمایه‌های رشد
- نام‌گذاری‌ها
- نشان دادن آیات
- تبیین عوامل سقوط
- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- انجام پیشنهادها
- توضیح قسمت‌های برای مطالعه
- داشتن دفتر کار خوب و منظم
- همکاری و مشارکت در تدریس

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات موردنیاز برای معلم

با توجه به اینکه در این درس، مفاهیم اساسی انسان‌شناسی آمده است و ممکن است دانش‌آموزان درباره آن سؤال کنند، دبیر محترم باید درباره آنها اطلاعات کافی داشته باشد. این مفاهیم، بیشتر در آیات شریفه قرآن کریم آمده‌اند و با مراجعه به تفاسیر معتبر، می‌توان اطلاعات لازم را درباره آنها کسب کرد. مفاهیم یاد شده عبارت‌اند از :

- ۱- مقام خلیفه الهی
 - ۲- فساد و خون‌ریزی که ملائکه به انسان نسبت می‌دهند.
 - ۳- تعلیم اسماء به انسان و متعلق اسماء (مسمای اسماء)
 - ۴- کرامت انسان بر کثیری از موجودات
 - ۵- درک خیر و شر و زشتی و زیبایی
 - ۶- روح الهی و مقصود از نسبت روح به خدا
 - ۷- حقیقت روح و نسبت آن با نفس و مراتب نفس
 - ۸- نسبت روح با مباحث ژنتیک در ثبت اطلاعات ذهنی
 - ۹- نظر مکاتب مختلف درباره انسان
 - ۱۰- حقیقت «خود» و نسبت آن با «روح»
 - ۱۱- ویژگی‌های تجرد و غیرمادی بودن
 - ۱۲- رؤیا و خواب و چگونگی آن از جنبه روان‌شناسی.
- برای کسب اطلاع در این باره، به کتاب‌ها و تفاسیری که در بخش منابع آمده است، مراجعه کنید.

ب) برخی اشتباهات احتمالی دانش‌آموزان

اشتباه میان استعداد بی‌پایان انسان در کسب علم و رسیدن به علم بی‌پایان؛ همان‌طور که در درس آمده است، انسان برای کسب علم، استعداد بی‌پایان دارد، نه این‌که به علم بی‌پایان می‌رسد. علم بی‌پایان از آن خداست و چون انسان فطرتاً خداگراست، گرایش به خوبی‌ها، از جمله گرایش او

به علم، بی پایان است.

ج) اطلاعات مورد نیاز

۱- ضرورت خودشناسی : متن کامل کلام حضرت علی(ع) که در مقدمه آمده است، چنین

است :

رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَاسْتَعَدَّ لِمُسِيهِ وَعَلِمَ مِنْ آئِنَ وَفِي آئِنَ وَالْإِ آئِنَ

۲- درباره ارزش انسان

حضرت علی(ع) می فرماید :

أَتَرَعَمُ أَتَكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

گمان می کنی که جسم کوچکی هستی، درحالی که جهانی بزرگ در تو پیچیده است.

۳- درباره ضرورت خودشناسی : حضرت علی(ع) می فرماید :

«در شگفتم از کسی که چیزی را گم می کند و در جست و جویش برمی آید اما خود را گم کرده و

در پی یافتن آن نیست» (غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۴۰).

۴- درباره حقیقت من :

دگر کردی سؤال از من که «من» چیست؟ مرا از من خبر کن تا که «من» کیست؟

گلشن راز، شبستری

۵- درباره علم و ارزش علم در انسان :

هرکه را افزون «خبر»، جانش افزون

جان نباشد جز «خبر» در آزمون

از چه؟ زان رو که افزون دارد خبر

جان ما از جان حیوان بیشتر

باشد افزون تو تجرّ را بهل

وز ملک جان خداوندان دل

جان او افزون تر است از بودشان

زان سبب، آدم بود مسجودشان

امر کردن هیچ نبود در خوری

ورنه بهتر را سجود دون تری

جان چون افزون شد، گذشت ازانتها	شد مطیعش جان جمله چیزها
جان چه باشد؟ با خبر از خیر و شر	شاد از احسان و گریان از ضرر
چون سر و ماهیت جان مخبر است	هرکه او «آگاه تر» «با جان تر» است
اقتضای جان چوای دل آگهی است	هرکه آگه تر بُود، جانش قوی است
روح را تأثیر آگاهی بُود	هرکه را این پیش، الهی بود
چون جهانِ جان سراسر آگهی است	هرکه بی جان است، از دانش تهی است

منوی معنوی

۶- دربارهٔ ارزش انسان :

که ای بلندنظر شاه باز سدره نشین	نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
تو را ز کنگرهٔ عرش می زنند صغیر	ندانمت که در این دامگه چه افتاده ست

حافظ



ای مرغ چمن از این قفس بیرون شو	فردوس تو را می طلبد مفتون شو
طاووسی و از دیار یار آمده ای	یاد آور روی دوست شو، مجنون شو

دیوان امام خمینی (ره)

د) اصلاح برخی اشتباهات احتمالی دانش آموزان

— نقش شیطان در گمراهی انسان، می تواند زمینهٔ این اشتباه را که شیطان، انسان ها را مجبور به انجام دادن کار بد می کند و اگر شیطان نبود، انسان به گناه کشیده نمی شد؛ لذا این توضیح ضروری است که شیطان به هیچ وجه نقش فاعلیت را در وجود ما ندارد. او صرفاً تشویق کننده و وسوسه گر به گناه است نه اجبار کننده.

علاوه بر این، نظام خلقت انسان به گونه ای است که اقتضائات گرایش به خوبی در وجود او بسیار فراوان تر و بیشتر است؛ در مقابل نفس آماره و شیطان که دعوت کننده به شرّند، عقل، وجدان اخلاقی، فطرت خداگرایی و کمال گرایی، آمدن انبیا و حتی الهام ها و امدادهای غیبی، دعوت کننده های درونی و

بیرونی انسان به خیر و خوبی هستند.

اطلاعات زیر نیز در بخش‌های مختلف این درس قابل استفاده‌اند.

— مبارزه با نفس اماره؛ رسول خدا (ص) فرموده است :

ان اعدیٰ عدوک نفسک التی بین جنیبک

هر که مُرد اندر تنِ او نفسِ گِبر	مرد را فرمان برد خورشید و ابر
نفس خود را کُش، جهانی زنده کن	خواجehای کشته است او را بنده کن
نفس، هردم در درونت در کمین	از همه مردم، بتر در مکر و کین
دشمنی داری چنین در سرّ خویش	مانع عقل است و خصم جان و کیش
دشمن راه خدا را خوار دار	دزد را منبر منه، بردار دار

(مولوی)

سعدی در ابتدای باب هفتم بوستان، ضمن تمثیلی زیبا، عمل نفس‌اماره را چنین توصیف

می‌کند :

تو با دشمن نفس هم خانه‌ای	چه در بند پیکار بیگانه‌ای؟
عنان باز پیچانِ نفس از حرام	به مردی ز رستم گذشتند و سام
وجود تو شهری است پرنیک و بد	تو سلطان و دستور دانا، خرد
رضا و ورع، نیک‌نامان حُرّ	هوا و هوس، رهزن و کیسه بُرّ
چو سلطان عنایت کند با بدان	کجا ماند آسایش بخردان؟
تو را شهوت و حرص و کین و حسد	چو خون در رگ‌اند و جان در جسد
هوا و هوس را نمائد ستیز	چو بینند سر پنجهٔ عقل تیز
رئیی که دشمن سیاست نکرد	هم از دست دشمن ریاست نکرد

هـ) منابع برای معلم و دانش‌آموز

۱- انسان در قرآن؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش‌آموز)

۲- المراقبات؛ میرزا جواد آقا ملکی (برای معلم)

- ۳- فطرت؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۴- انسان کامل؛ استاد شهید استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۵- مقاله اصالت روح در مقالات فلسفی؛ استاد شهید مطهری، ج ۱، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۶- تکامل زیستی و آیات آفرینش؛ ابراهیم کلانتری، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش آموز)
- ۷- فلسفه خلقت انسان؛ عبدالله نصری، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش آموز)
- ۸- کمالات وجودی انسان؛ سیدمحمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش آموز)
- ۹- خواب و نشان‌های آن؛ سیدمحمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش آموز)



خود حقیقی

قسمت اوّل : کلیّات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی : شناخت بُعد غیرمادی وجود انسان به عنوان خود حقیقی
- ۲- اهداف آموزشی :
 - آشنایی با دو بعدی بودن وجود انسان
 - درک این حقیقت که بُعد غیرمادی وجود انسان اصالت دارد و از بُعد مادی برتر است.
 - تبیین دلایل وجود بُعد غیرمادی وجود انسان.

ب) پیش دانسته‌ها

ویژگی‌هایی که در درس قبل درباره انسان آمد، پیش دانسته‌های این درس می‌باشد.

ج) اصطلاحات علمی درس

در این درس، اصطلاحات زیر به کار رفته است :

- ۱- «روح»؛ مقصود از «روح»، بُعدی از وجود انسان است که او را از موجودات دیگر جدا می‌کند. درواقع، روح بعد غیرمادی وجود انسان است که حقیقت انسان به آن بستگی دارد؛ زیرا این بُعد نسبت به «بدن» جنبه باطنی دارد و حاکم بر بدن است. اصطلاح «روح» در قرآن برای چند منظور استفاده شده است که لازم است به کتب تفسیر مراجعه شود (مثال : استفاده از این اصطلاح برای انسان در آیه «ونفخت فیهِ من روحی»).
گاهی در کتب فلسفی و اخلاقی به معنای نفس و مترادف با نفس می‌آید که در آن صورت،

شامل مرتبه نفس آدمی، یعنی نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی (یا روح نباتی، روح حیوانی و روح انسانی) می‌شود اما روح در تعبیر قرآنی، همان مرتبه عالی نفس است که به نفس انسانی یا روح انسانی مشهور است. وجوه ممیزه انسان از سایر موجودات، مانند فطرت، تعقل، اختیار، وجدان، بی‌نهایت‌طلبی و خیرخواهی از روح او ناشی می‌شود.

۲- ثابت بودن «خود»؛ کلمه شخصیت، در اینجا بدان معنا که در روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی به کار می‌رود، نیامده است بلکه به معنای «خود» و «شخص» است. در روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی، شخصیت عبارت است از مجموعه فضایل، منش‌ها و اوصاف اخلاقی و رفتارهای فردی و اجتماعی که متناسب با رشد و تکامل انسان تغییر می‌کند اما در اینجا منظور، آن حقیقتی است که همه این اوصاف را می‌پذیرد و همه آنها، متعلق به اوست.

۳- خواب و رؤیا؛ آدمی همین که به خواب می‌رود و ارتباط روح او با جسم کمتر می‌شود، خواب دیدن را هم آغاز می‌کند. این خواب دیدن از ابتدای خواب تا پایان خواب، برای انسان وجود دارد اما انسان فقط برخی از صحنه‌های خواب دیدن خود را که بسیار مهم بوده و او را تحت تأثیر قرار داده است، به خاطر می‌آورد. برای علت خواب دیدن، علمای روان‌شناس دلایل مختلفی ذکر کرده‌اند که بیشتر بر مبنای تجربیات و حدس و گمان‌ها استوار است.

۴- نفس امّاره؛ این تعبیر که از قرآن کریم گرفته شده است، حالتی در نفس است که انسان را به سوی تمایلات حیوانی و غریزی می‌کشاند؛ به گونه‌ای که مرزهای دینی و اخلاقی را زیر پا می‌گذارد و از کمالات معنوی و متعالی غافل می‌شود.

د) ارتباط با درس قبل

در درس گذشته، از جایگاه انسان در جهان خلقت و توجه ویژه خداوند به نوع انسان سخن گفتیم و برخی از مزیت‌های او را نسبت به دیگر موجودات برشمردیم. در این درس می‌خواهیم عوامل و زمینه‌های گرایش او را به سوی بدی بررسی کنیم. همان‌طور که در ابتدای درس چهارم کتاب دانش‌آموز آمده است، بحث ما در این دو درس، مقدمه‌ای برای ورود به بحث معاد است تا بدانیم که چرا بازگشت انسان به سوی خدا، بازگشتی ویژه است و سرنوشت انسان به دو گونه، فلاح و رستگاری یا شقاوت و بدبختی، رقم می‌خورد.

آشنایی با عوامل و زمینه‌های رستگاری و گمراهی، انگیزه توجه به آنها را فراهم می‌کند تا ما بتوانیم

عوامل و زمینه‌های رستگاری را تقویت و عوامل و زمینه‌های سقوط را در خود سرکوب کنیم.

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- قرآن کریم برترین و کامل‌ترین کتاب انسان‌شناسی است و ما برای شناخت حقیقت وجود خود باید از این کتاب الهی بهره ببریم.
- ۲- وجود ویژگی‌های خاص انسانی به علت حقیقت روح در انسان است.
- ۳- روح امری غیرمادی است که با دلایلی چون ثابت بودن «من» قابل اثبات است.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، براساس موارد تعیین شده، ارزشیابی از درس قبل صورت می‌گیرد.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

برای ورود به بحث درباره حقیقت روح و بُعد غیرمادی وجود انسان می‌توان ابتدا برداشت‌های دانش‌آموزان درباره روح را جویا شد تا آنان چیزهایی را که درباره روح انسان شنیده‌اند یا فیلم‌هایی را که دیده‌اند بازگو نمایند.

همچنین می‌توان با یک سؤال درس را آغاز کرد و آن سؤال این است که : ویژگی‌های خاصی که در درس قبل برای انسان شمرده شد، آیا مربوط به همین بدن و جسم است؟ چرا این ویژگی‌ها در اجسام و حیوانات نیست؟

ج) اجزای تدریس

تدریس این درس، دارای اجزای زیر است :

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	انجام فعالیت پیام آیات
۳	تبیین دلیل اول بر بُعد روحانی
۴	انجام فعالیت استدلال
۵	تبیین دلیل دوم
۶	انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها
۷	انجام فعالیت استدلال
۸	انجام فعالیت گام دوم

۱- قرائت و ترجمه

در ابتدای تدریس، آیات درس قرائت می‌شود و ترجمه آن‌ها تکمیل می‌گردد.

۲- انجام فعالیت پیام آیات

پس از قرائت و ترجمه، دانش‌آموزان به تدبیر در آیات می‌پردازند و پیام آیات را تکمیل می‌کنند و آیه مربوط به آن را مشخص می‌نمایند.

از آیات ۷۱ و ۷۲ سوره ص و آیه ۱۴ سوره مؤمنون درمی‌یابیم که انسان دارای دو بُعد روحی و جسمی است.

از همین آیات به دست می‌آوریم که ابتدا بُعد جسمانی تشکیل می‌شود و سپس روح در آن دمیده می‌گردد. برای اینکه در این آیات، ابتدا خلقت جسم و مراحل پیدایش آن را بیان می‌کند و سپس با استفاده از کلمات «ثم» و «ف» آفرینش روح و یا دمیدن آن در بدن را اعلام می‌کند.

از آیه ۷۲ سوره ص درمی‌یابیم که دستور خداوند به سجده فرشتگان برای آدم به خاطر همان بُعد روحانی اوست. زیرا پس از دمیدن روح، امر می‌کند که پس حالا سجده کنید.

از آیه ۱۴ مؤمنون استفاده می‌کنیم که روح انسان خلقتی متفاوت با بُعد جسمانی او دارد. زیرا پس از این که مراحل تکمیل جسم را بیان می‌کند، می‌فرماید:

سپس او را به آفرینشی دیگر باز آفریدیم.

۳- تبیین دلیل اوّل بر بُعد روحی

پس از این که مشخص شد از نظر قرآن، انسان دارای دو بُعد است، لازم است که وجود هر دو بُعد ثابت شود. بُعد اوّل که بُعد جسمانی است، برای ما محسوس و روشن است و نیازی به اثبات ندارد. به همین جهت دانشمندان، برای اثبات وجود روح در انسان‌ها دلیل می‌آورند. و چون این بُعد، یک بُعد دیگر است، باید غیرجسمانی بودن آن را اثبات نمایند.

از این رو در کتاب‌های فلسفی و معرفه‌النفس، به ذکر این دلایل می‌پردازند. از مهم‌ترین دلایل غیرمادی بودن روح، وجود علم و معرفت در انسان است. در آن کتاب‌ها توضیح می‌دهند که علم ویژگی‌های ماده مانند تغییر و تحول، تقسیم‌پذیری و تجزیه‌پذیری را ندارد و ظرف و محلّ آن که روح است نیز این خواص را ندارد.

هم چنین ویژگی‌هایی مانند «بی‌نهایت‌طلبی»، «تنوع‌طلبی» انسان از همین بُعد غیرمادی است. گاهی به جای تعبیر «غیرمادی بودن روح» از تعبیر «تجرد روح» استفاده می‌کنند که منظورشان همان غیرمادی بودن و مجزّد بودن روح از ویژگی‌های جسم است.

در کتاب درسی، متناسب با توانایی دانش‌آموزان، دو دلیل آورده شده است. دلیل اوّل، ثبات و باقی بودن «خود» در طول زمان است. دلیل دوم وجود رؤیاهای صادقه برای افراد است. بنابر دلیل اوّل، یکی از ویژگی‌های جسم که تحول‌پذیری است، از روح سلب می‌شود و بنابر دلیل دوم، یکی دیگر از ویژگی‌ها آن که زمانی بودن است، سلب می‌گردد.

تذکر: در دلیل اوّل که از ثابت بودن «من» یا «خود» سخن می‌گوییم، ممکن است کسی این اشکال را وارد کند که درست است که همه مواد بدن پس از مدتی تغییر می‌کند، اما چون این تغییر یک باره انجام نمی‌شود و به تدریج جایگزین می‌شود، ما همواره این بدن را همان بدن قبلی می‌بینیم؛ مانند ساختمانی که به تدریج تعمیر می‌شود و خیلی از قسمت‌های آن تعویض می‌گردد، اما هر کس از کنار آن ساختمان می‌گذرد، این خانه را همان خانه قبل فرض می‌کند و می‌گوید این همان خانه‌ای است که مثلاً چند سال پیش محل سکونت فلان شخص بوده است.

در پاسخ باید توضیح دهیم که همین بیان، دلیل بر آن است که واقعاً بدن تغییر کرده و ما می‌پنداریم که ثابت بوده است و هدف ما هم نشان دادن واقعیت است که بدن تغییر کرده و چیز ثابتی نداریم. و هم چنین از همین اشکال، متوجه می‌شویم که یک حقیقت ثابتی در انسان بوده است که همراه تحولات بدن بوده و هم بدن گذشته را درک کرده و هم بدن جدید را و چون بدن جدید شبیه بدن قبل است، آن را ثابت پنداشته است و آن همان ذهن و اندیشه ماست که مربوط به روح ما می‌باشد.

۴- انجام فعالیت استدلال

دانش آموزان، براساس توضیحات معلم و آنچه که در کتاب آمده است، به سؤال طرح شده در فعالیت استدلال، پاسخ می دهند. دبیر، برخی از پاسخ ها را می شنود و در صورت ضرورت، توضیحات تکمیلی را ارائه می دهد.

با توجه به توضیحات درس، چون حقیقت وجود ما یعنی «خود حقیقی ما» هیچ گاه به چیز دیگری تبدیل نمی شود و ما از ابتدای زندگی تا زمان مرگ همان خودمان هستیم، این عدم تغییر و ثبات نشان دهنده آن است که این خود حقیقی از جنس ماده نیست.

۵- تبیین دلیل دوم

در دلیل دوم، از رؤیاهای صادقه استفاده شده است. زیرا در این قبیل رؤیاهاست که انسان، درحالی که خواب است، واقعه ای از زمان آینده را می بیند. این دیدن، نشان می دهد که فرد خواب بیننده در عین حال که در زمان «الف» است، توانسته در عالم خواب در زمان «ب» هم باشد. درحالی که این، برای جسم نشدنی است که در آن واحد هم در زمان «الف» باشد و هم در زمان «ب». البته توجه داشته باشیم که همه روایهای ما، چه صادق و چه غیرصادق، مربوط به روح است. ولی ما از رؤیاهای صادق می توانیم به خوبی استفاده کنیم و غیرمادی بودن آنها را ثابت کنیم.

۶- انجام فعالیت نمونه یابی

این فعالیت را می توان به این صورت انجام داد که چند کتاب قرآن به گروه ها داده شود و هرکدام از گروه ها قسمتی از سوره یوسف را مطالعه کنند و اگر رؤیایی را یافتند، بیان کنند. رؤیای اول، مربوط به کودکی حضرت یوسف است که در خواب دید یازده ستاره و ماه و خورشید بر او سجده می کنند. این خواب را برای حضرت یعقوب نقل کرد و آن حضرت که تعبیر آن را دانست، به ایشان فرمود که خواب را برای برادرانت نقل نکن.

رؤیای دوم و سوم مربوط به وقتی است که حضرت یوسف در مصر زندانی بوده است و دو نفر از کارکنان دربار را به زندان فرستادند. یکی از اینها در زندان خواب دید که انگور می فشارد و شراب می سازد. دیگری خواب دید که طبقی از نان بر سر می برد و پرنده گان از آن می خورند. حضرت یوسف این دو خواب را تعبیر کرد و به نفر اول فرمود تو آزاد می شوی و در دربار پادشاه مصر موقعیت خوبی می یابی و به نفر دوم فرمود تو را به دار می آویزند.

رؤیای چهارم، رؤیای پادشاه مصر بود. او خواب دید که هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را می خورند. و نیز هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک را در خواب دید.

این خواب را هم حضرت یوسف تعبیر کرد و فرمود که یک دوره هفت ساله آبادانی در پیش است و پس از آن یک دوره هفت ساله خشکی و قحطی خواهد آمد.

تذکر : گاهی رؤیاهای صادقه به صورت دیدن خود واقعه است و گاهی به صورتی است که نیازمند تعبیر و تأویل است. مثلاً وقتی پادشاه مصر خواب دید که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می خورند، خود این حادثه اتفاق نیفتاده است بلکه او آبادانی و خشکسالی کشورش را که در آینده اتفاق می افتد، به این صورت مشاهده کرده است.

هم چنین در خواب حضرت یوسف، یازده ستاره نشانه یازده برادر بود و ماه و خورشید نشانه پدر و مادر بود.

۷- انجام فعالیت استدلال

با توجه به توضیحات درس، دانش آموزان باید توضیح دهند که هر موجود جسمانی، در زمان خاص و در مکان خاص قرار دارد و در یک زمان نمی تواند در دو مکان باشد و نیز نمی تواند در دو زمان قرار بگیرد. اما در رؤیای صادقه می بینیم که یک شخص که مثلاً در زمان «الف» است، خوابی می بیند که نشان می دهد او در همین زمان «الف»، به زمان «ب» رفته است. و این عمل از عهده جسم ساخته نیست، پس مربوط به بُعد روحی است.

۸- انجام فعالیت گام دوم

همان طور که در «گام اول» توضیح داده شد، هر گام، یک برنامه ریزی عملی برای زندگی، براساس آموخته های درس های قبلی است. هر گامی هم عنوانی دارد که بیان کننده آن برنامه است. در برخی گام ها، جای عنوان خالی است و دانش آموزان باید آن را تکمیل کنند. لازم نیست که همه دانش آموزان، یک عنوان را بنویسند. زیرا این فعالیت، واگراست و در امتحان نمی آید. ممکن است یکی بگوید «تلاش برای شناخت بیشتر خود»، دیگری بگوید «استفاده از سرمایه های خود» و...

د) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس باید موارد زیر مورد ارزشیابی قرار گیرد :

— قرائت و ترجمه آیات

— انجام فعالیت پیام آیات

— تبیین دلیل اول بر غیرمادی بودن روح انسان

— انجام فعالیت استدلال

– تبیین دلیل دوم بر غیرمادی بودن روح انسان

– انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها

– انجام فعالیت استدلال

– مشارکت و همکاری در تدریس

قسمت سوم : تمهیدات

منابع معلم و دانش‌آموز

علاوه بر کتاب‌های ذکر شده در درس قبل، کتاب‌های زیر نیز مفیدند.

۱- انسان در افق قرآن؛ استاد محمدتقی جعفری (برای معلم)

۲- تعلیم و تربیت در اسلام؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)

۳- انسان‌شناسی؛ محمود رجبی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای معلم)

۴- انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام؛ آیت‌الله ممدوحی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (برای معلم)

۵- به سوی خودسازی؛ آیت‌الله مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای

معلم)

۶- جوان در کلام نور؛ مرتضی روحانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای

دانش‌آموزان و معلم)

۷- خودشناسی برای خودسازی؛ آیت‌الله مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

(برای معلم)



پنجره‌ای به روشنائی

قسمت اوّل: کلیات

الف) اهداف

۱- هدف کلی: مقایسه دیدگاه‌ها درباره مرگ و تشخیص مزیت‌ها و برتری‌های دیدگاه توحیدی و ثمرات آن

۲- اهداف آموزشی:

- شناخت دیدگاه‌های مختلف درباره مرگ و تحلیل آنها
- شناخت دیدگاه توحیدی با مراجعه به قرآن کریم و سنت و سیره معصومان(ع)
- شناخت ثمرات دیدگاه اسلامی نسبت به مرگ و جهان آخرت
- احساس امید و رضایت نسبت به دیدگاه اسلامی
- درک نتایج و آثار غفلت دنیای امروز از سرانجام انسان، و زندگی اخروی.

ب) پیش‌دانسته‌ها

دانش‌آموزان، در دوره راهنمایی، مطالبی درباره موضوعات زیر آموخته‌اند و با آنها آشنایی دارند.

معاد به‌عنوان اصلی از اصول دین، رابطه عمل و پاداش و جزا در آخرت، نامه عمل و چگونگی حفظ عمل، برزخ، نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های اخروی، و حوادث آستانه قیامت.

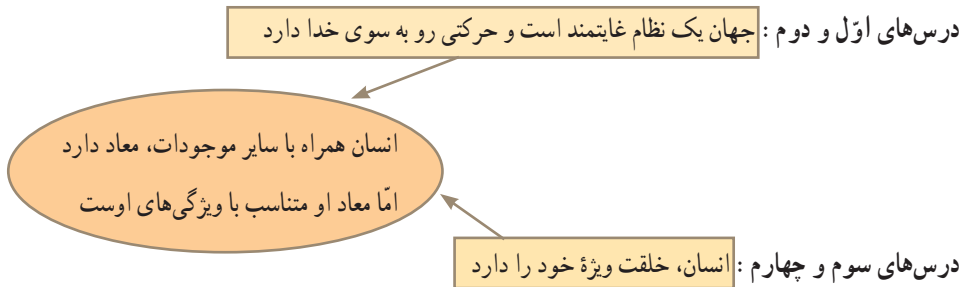
ج) اصطلاحات علمی درس

در این درس اصطلاحات علمی جدیدی که به آموزش نیاز داشته باشد، وجود ندارد.

د) ارتباط با درس قبل

موضوع این درس، بحث‌های آغازین معاد است؛ این درس، از یک طرف با درس‌های اول و دوم و از طرف دیگر با درس‌های سوم و چهارم ارتباط دارد. در درس‌های اول و دوم، ضمن بحث دربارهٔ نظم و هماهنگی و غایت‌مندی میان موجودات و اثبات حکمت‌آمیز بودن نظام خلقت، دانستیم که جهان به‌عنوان یک مجموعهٔ غایت‌مند، روبه سوی خدا دارد و سیر تکاملی خود را می‌پیماید. نتیجهٔ بحث فوق، این است که بدانیم بازگشت انسان به‌سوی خدا چگونه است. بر این اساس، لازم است که دربارهٔ معاد، بحث و گفت‌وگو کنیم.

از طرف دیگر، برای این که علت تفاوت معاد انسان با سایر موجودات را دریابیم، لازم است که اوصاف ویژهٔ انسان و جایگاه او را در نظام خلقت بررسی کنیم؛ از این رو، در درس سوم و چهارم به بحث انسان‌شناسی پرداختیم و برخی از اوصاف انسان را که به بحث معاد کمک می‌کند، بررسی شد.



هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- انسان همواره با حادثهٔ عظیمی به نام «مرگ» روبه‌روست.
- ۲- در مواجهه با مرگ، دو دیدگاه کلی وجود دارد.
- ۳- یک دیدگاه می‌گوید که مرگ پایان زندگی است.
- ۴- دیدگاه دیگر می‌گوید که مرگ آغاز حیات برتر است.
- ۵- قرآن کریم این دو دیدگاه را طرح و نتایج هر دو را اعلام می‌کند.
- ۶- هریک از این دو دیدگاه دارای پیامدهایی در زندگی انسان است.
- ۷- دنیای امروز، با غفلت از جهان آخرت، زیان اخلاقی و اجتماعی بسیاری دیده است.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت یاددهی – یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، براساس موارد تعیین شده، از دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

پس از ارزشیابی از درس قبل، برای ورود به موضوع جدید، یعنی معاد، بحث ابتدای درس را به شیوه‌های مختلف پیروانید. برای این منظور می‌توان از شیوه‌های زیر استفاده کرد.

- ۱- تصویرهایی از تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری نشان داده شود.
- ۲- در آن تصویر، نموداری از مراحل حیات - از تولد تا مرگ - در آن وجود داشته باشد.
- ۳- فیلم‌هایی از تولد یک کودک در خانواده و شادی اطرافیان او تا رسیدن به مرحله مرگ و ناراحتی خانواده یا فیلم‌هایی از رشد گیاه تا پیری و فرسودگی آن، نشان داده شود.
- ۴- از کارت تبریک تولد یا کارت اعلام مجلس فوت نیز می‌توان استفاده کرد.

توجه : در این درس دیدگاه‌های اساسی درباره مرگ طرح شده است. امروزه آثاری از برخی نویسندگان داخلی و خارجی که دیدگاه «نیهیلیستی» درباره مرگ را تبلیغ می‌کند، در دست انتشار است و چهره‌های شاخصی را به عنوان شخصیت‌های فکری و فرهنگی به نسل جوان معرفی می‌کند. دبیر گرامی باید با آگاهی کامل به این قبیل جریان‌ها و آشنایی با چهره‌های این گونه افکار، فرصت مناسبی برای ایجاد خوش‌بینی به زندگی و آینده انسان، ایجاد کند. دبیر گرامی توجه دارد که قرار نیست ما این گونه افکار و افراد را در کلاس معرفی و نقد کنیم (زیرا دانش‌آموزان کلاس دوم، کمتر با این جریانات آشنایند) بلکه لازم است بحث‌ها را به گونه‌ای سامان دهیم که نوجوانان و جوانان ما در آینده تحت تأثیر این افکار قرار نگیرند و دیدگاه سازنده و امیدوارانه‌ای به زندگی و مرگ داشته باشند.

ج) اجزای تدریس

این درس، دارای اجزای زیر است :

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات درس
۲	طرح دیدگاه منکران معاد درباره مرگ
۳	انجام فعالیت پیام آیات
۴	تبیین پیامدهای دیدگاه اول
۵	انجام فعالیت بررسی
۶	طرح دیدگاه پیامبران الهی
۷	انجام فعالیت پیام آیات
۸	تبیین پیامدهای دیدگاه دوم
۹	توضیح درباره قسمت «بیشتر بدانیم»

۱- قرائت و ترجمه آیات

در ابتدای تدریس، قرائت و ترجمه آیات آموزش داده می‌شود.

۲- طرح دیدگاه منکران معاد درباره مرگ

دیدگاه اول، دیدگاه «نیهیلیست»ها می‌باشد. نیهیلیسم یا پوچ‌گرایی، دیدگاهی است درباره جهان و انسان؛ مطابق با این دیدگاه، جهان و انسان، غایت و هدف ندارد. زیرا جهان فاقد سازنده حکیم و خبیر است. زندگی انسان نیز با مرگ پایان می‌پذیرد و بدن او فرسوده شده و به اجزای خاک تبدیل می‌شود.

در غرب کسانی مانند آلبرکامو، در این موضوع، دارای مکتب خاصی بودند و در ایران نیز کسانی مانند صادق هدایت چنین مکتبی داشته‌اند. البته بسیاری از افراد هستند که از مکتب نیهیلیسم اطلاعی ندارند، اما عملاً نیهیلیست و پوچ‌گرا هستند. کسانی که جهان را جز ماده نمی‌دانند و انسان را هم موجودی مادی می‌دانند که زندگی‌اش با مرگ پایان می‌پذیرد، در عمل پوچ‌گرا هستند. طرح این دیدگاه برای آن است که دانش‌آموزان متوجه باطل بودن این عقیده و عواقب بد آن در زندگی شوند.

کسی که به پوچ‌گرایی می‌رسد و آینده‌ای روشن برای هستی خود مشاهده نمی‌کند، ناخودآگاه دلهره‌ای وجودش را فرامی‌گیرد و زندگی برایش «بی‌معنا» می‌شود. علت اصلی این بی‌معنایی همان

است که در درس اول توضیح داده شد، و آن، بدون هدف و غایت دیدن زندگی است. وقتی هدفمندی از زندگی انسان یا خلقت جهان برداشته شد، بی‌معنایی هم به دنبال آن می‌آید. و وقتی زندگی برای کسانی بی‌معنا شد، این افراد یا به سردرگمی و یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و در خود فرو رفته و در پایان، دست به خودکشی می‌زنند، همان‌طور که آلبرکامو و صادق هدایت چنین کردند، یا به عیش و عشرت و خوش‌گذرانی رو می‌آورند تا آن حقیقت تلخ را فراموش کنند.

تذکر ۱: برخی افراد، خدا را قبول دارند و حتی می‌دانند که معادی هم هست، اما هم تصویر روشن و درستی از معاد ندارند و هم ایمان محکمی به آن پیدا نکرده‌اند. چنین افرادی، همواره از معاد غافلند و لذا معاد در زندگی آن‌ها تأثیر ندارد. اینان هم به نوعی نیهیلیسم دچار هستند.

تذکر ۲: امروزه آثار برخی از نویسندگان خارجی و داخلی که دارای تفکر نیهیلیستی هستند منتشر و تبلیغ می‌شود و به عنوان چهره‌های شاخص فرهنگی، ادبی و روشنفکری به نسل جوان معرفی می‌گردند. ما باید نسبت به این افراد و اندیشه‌های آن‌ها آگاهی داشته باشیم و با تذکرات به موقع، زمینه‌های گرایش جوانان به آن‌ها را از بین ببریم. فرهنگ پوچ‌گرایی که در عصر جدید در قالبی از روشنفکری خود را نشان می‌دهد، مانند موریانه ارزش‌های اخلاقی ملت‌ها و همت و پشتکار آنان را از درون می‌خورد و روح حماسی را در آنان می‌کشد.

البته منظور ما این نیست که این افراد و یا کتاب‌های آنان را در کلاس درس نقد کنیم. زیرا دانش‌آموزان سال دوم با این موضوعات آشنایی کمتری دارند. بلکه مقصود آن است که مباحث را در کلاس به گونه‌ای طرح کنیم که دانش‌آموزان، در آینده تحت تأثیر این افکار قرار نگیرند.

۳- انجام فعالیت پیام آیات

در این فعالیت، دانش‌آموزان به تدبیر در قرآن کریم می‌پردازند تا ببینند قرآن کریم درباره دیدگاه اول چه فرموده است.

در این فعالیت، سه سؤال طرح شده که دانش‌آموزان هم باید پاسخ سؤال را بدهند و هم آیه‌ای را که منبع پاسخ بوده، مشخص نمایند.

پاسخ سؤال اول از آیه سوم سوره احقاف به دست می‌آید. در این آیه آمده که جهان بر پایه حق بنا شده و دارای سرآمد معین و آینده روشن است. اما کافران نسبت به این حقیقت بی‌توجه و از آن رویگردانند.

پاسخ سؤال دوم از آیات هفت و هشت سوره یونس به دست می‌آید. زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، نتیجه‌اش درآمدن در آتش می‌باشد. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از

آخرت تنظیم می‌کنند و کاری برای آخرت نمی‌کنند، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد.

پاسخ سؤال سوم از آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کهف به دست می‌آید.

با تدبر در این آیه درمی‌یابیم کسانی که به آیات خداوند و روز قیامت کافرنند، اعمالشان در قیامت ارزش و وزنی ندارد و زیانکارترین افراد خواهند بود؛ در حالی که خودشان در دنیا فکر می‌کنند بهترین عملکردها را دارند.

۴- تبیین پیامدهای دیدگاه اول

دبیر محترم باید تأثیر دیدگاه اول را در زندگی افراد نشان دهد تا دانش‌آموزان بدانند که فکر و اندیشه‌های هرکس چگونه در رفتار و عمل او تأثیر می‌گذارد.

همچنین می‌توان این بحث را با درس دوم کتاب دین و زندگی (۱)، آنجا که درباره تفاوت بینش‌ها و تأثیر آن در تفاوت اهداف و دلبستگی‌ها بحث می‌کرد، ارتباط داد.

۵- انجام فعالیت بررسی

در این فعالیت دو سؤال مطرح شده است. در سؤال اول، دانش‌آموزان به ریشه‌یابی بی‌توجهی عامدانه به مرگ و تغافل از آن می‌پردازند. این ریشه‌یابی مبتنی بر آموزش‌های سال اول است. در درس اول کتاب دین و زندگی (۱) آمده بود که انسان موجودی است که «میل به جاودانگی» دارد و از نیستی و نابودی گریزان است.

با استفاده از آن آموخته، در اینجا متوجه می‌شویم آنان که مرگ را پایان زندگی و نابودی بشر می‌دانند، چون حس جاودانگی را در درون خود دارند، ناچار می‌شوند وسائل غفلت خود را فراهم کنند تا از نگرانی نیستی به درآیند. توجه داشته باشیم که میل به جاودانگی یک میل سازنده و برانگیزاننده است که سبب تلاش انسان برای کمال است. اما وقتی یک دیدگاه اشتباه در انسان شکل بگیرد که در مقابل آن میل باشد، آثار نامطلوب به بار می‌آورد.

در سؤال دوم از دانش‌آموزان پرسیده شده که آیا دست به تغافل زدن و بی‌توجهی نسبت به مرگ کار درستی است یا نه. با بررسی این سؤال آنان بیشتر متوجه این نکته می‌شوند که نباید از آنچه واقعی است و حتماً اتفاق خواهد افتاد، فرار کرد. زیرا فرار از آن معنا ندارد. فرار از مرگ همان به‌سوی آن رفتن است. علاوه بر این فرار از مرگ سبب می‌شود که انسان خودش را برای آن آماده نکند و در وقت مواجهه با مرگ زیان ببیند، آن هم یک زیان دائمی که قابل جبران نیست.

در این جاست که باید برخی هشدارهای قرآن کریم و پیامبر گرامی و اهل بیت بزرگوار ایشان را متذکر شویم و برخی از داستان‌های سازنده و مؤثر را، که مستند هستند و اثر مطلوبی بر روحیه

دانش آموزان دارند، بیان کنیم.

۶- طرح دیدگاه پیامبران الهی

این دیدگاه که از طرف پیامبران الهی تبلیغ شده است، آن است که مرگ پایان زندگی نیست، بلکه انتقالی است از مرحله‌ای به مرحله‌ دیگر، مرحله‌ای که عظیم‌تر و بزرگ‌تر از مرحله‌ اول است. البته در اینجا ضروری نیست که از مرحله بعد که مرحله برزخ است با دانش آموزان صحبت کنیم. درباره این مرحله در درس‌های بعد مطالبی خواهد آمد. در اینجا فقط کافی است دانش آموز با این دیدگاه و آثار و پیامدهای آن بیشتر آشنا شود و برای او یادآوری و تذکر باشد.

خوب است دبیر در اینجا نشان دهد که این دیدگاه اختصاص به اسلام ندارد. حتی ادیان توحیدی دیگر که هم‌اکنون تحریف شده آن‌ها موجود است، به این دیدگاه عقیده دارند. امروزه در برخی کتاب‌ها چنین القا می‌شود که توجه به معاد اختصاص به مسلمانان دارد و همین عقیده سبب شده است آنان به دنیا و نیازهای دنیوی خود کمتر توجه کنند و پیشرفت علمی و دنیایی کمتری داشته باشند. حتی خوب است جملاتی از متون کتب یهودی و مسیحی و زرتشتی در کلاس خوانده شود.

۷- انجام فعالیت پیام آیات

پس از طرح دیدگاه الهیون، دانش آموزان به سراغ آیات ابتدای درس می‌روند تا نظر قرآن کریم را درباره آن بدانند.

این فعالیت نیز به صورت پرسش و پاسخ و با تعیین آیه مربوط تنظیم شده است. پاسخ پرسش اول از آیه سوم سوره احقاف به دست می‌آید. خداوند می‌فرماید ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که بین آنهاست، به حق آفریده‌ایم. آن‌گاه در ادامه توضیح می‌دهد که این جهان سرآمد معین و مشخص و آینده روشن دارد. یعنی به این خاطر جهان خلقت حق است که آینده روشن و هدف معین دارد.

پاسخ سؤال دوم از آیات ۲۰ و ۶۴ سوره عنکبوت، ۶۹ سوره مائده و ۱۹ سوره اسراء به دست می‌آید. در این آیات از نشئه آخرت، دار آخرت، روز آخرت و خود آخرت سخن به میان آمده است.

پاسخ سؤال سوم از آیه ۲۲ سوره جاثیه به دست می‌آید. در این آیه ابتدا برحق بودن خلقت جهان را بیان می‌کند و سپس می‌فرماید که هرکس جزای عمل خود را می‌بیند و به کسی ستم نمی‌شود. یعنی چون جهان براساس حق است، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است.

پاسخ سؤال چهارم از آیه ۶۴ سوره عنکبوت به دست می‌آید. در این آیه مشخص شده که اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگاه شود، چیزی جز لهو و لعب نیست. و حیات حقیقی برتر، از آن آخرت

است. همچنین از مجموع آیات درمی‌یابیم که دنیا سرای عمل است و آخرت سرای پاداش. پاسخ سؤال پنجم، بنابر آیه ۶۹ سوره مائده این است که شرط نداشتن حزن و ترس سه چیز است: ایمان به خدا، ایمان به آخرت و انجام عمل صالح. پاسخ سؤال ششم، بنابر آیه ۱۹ سوره اسراء این است که هرکس خواستار آخرت باشد و به خدا و آخرت ایمان داشته باشد و برای رسیدن به آخرت سعی کند، در آخرت به ثمرات آن می‌رسد.

۸- تبیین پیامدهای دیدگاه دوم

در متن درس دو اثر مثبت و سازنده نگرش دوم بیان شده است. دیر، ابتدا این دو اثر را توضیح می‌دهد و با ذکر نمونه‌ها، توجه دانش‌آموزان را به این دو اثر بیشتر جلب می‌کند. تبیین این دو اثر سبب می‌شود که برخی شبهه‌ها از بین برود. برخی این شبهه را مطرح می‌کنند که اعتقاد به آخرت سبب بی‌توجهی به دنیا و کم‌کاری در دنیا می‌گردد، در حالی که این یک نظر اشتباه است. پیشوایان ما و شخصیت‌های برجسته اسلامی فعال‌ترین و با همت‌ترین انسان‌ها بودند و هیچ‌گاه اهل تنبلی و بیکاری نبودند، در عین حال، از مرگ نمی‌هراسیدند.

پس اعتقاد درست به معاد آثار زیر را نیز دربر دارد:

— شادابی و آرامش روحی

— کار و تلاش و فعالیت برای دیگران به خاطر رسیدن به پاداش اخروی

— نداشتن خوف و اندوه نسبت به آینده

— از بین رفتن پوچ‌گرایی در زندگی

— دوری از گناه به خاطر عواقب اخروی آن

— تلاش برای رشد و تعالی خود

بهتر است پس از طرح دو ثمره اصلی اعتقاد به آخرت و نبود نشدن انسان با مرگ، از دانش‌آموزان بخواهیم که خودشان فکر کنند و آثار دیگر را بیابند و توضیح دهند.

۹- توضیح درباره قسمت «بیشتر بدانیم»

در این قسمت متنی با عنوان «دنایای امروز و غفلت از آخرت» آمده است. این متن، با بیانی که مناسب با فهم دانش‌آموزان باشد، به نقد تمدن جدید می‌پردازد و تأثیر غفلت از توحید و جهان آخرت را در نظام زندگی امروز نشان می‌دهد.

ضروری است که ما دیران نسبت به غرب و مبانی و نظامات آن اطلاع کافی داشته باشیم. و در زمینه غرب‌شناسی به مطالعه بپردازیم. آثار نویسندگانی مانند «رنه گنون»، «سیدحسین نصر»،

«فربتسیوف شووان» و آثاری از شهید مطهری مانند علل گرایش به مادیگری و مسأله حجاب و برخی آثار شهید آوینی می‌تواند در شناخت ماهیت تمدن غرب به ما کمک کند.

د) اندیشه و تحقیق

برای بخش اندیشه و تحقیق، دو سؤال و یک تحقیق پیش‌بینی شده است.

سؤال اول : بدان منظور طرح شده است که ممکن است کسانی بر حسب عادت یا تقلید یا صرفاً به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هست اما در عمل پایبندی چندانی بدان نداشته باشند و اهل گناه و فساد باشند. اینان در حقیقت دارای ایمان قوی نیستند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً بدان نگرویده‌اند.

سؤال دوم : برای رفع یک شبهه و ابهام از ذهن نوجوانان و جوانان مطرح شده است تا بدانند که اعتقاد به آخرت نه تنها سبب عقب‌ماندگی نیست بلکه باعث تصحیح زندگی و در پیش گرفتن اخلاق الهی می‌شود.

سؤال سوم : آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره «مؤمنون» بیانگر عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

هـ) پیشنهاد

این دو پیشنهاد برای نشان دادن تأثیر بینش الهی به معاد در ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و شجاعت روحی است. بهتر است دبیر درباره انجام دادن این پیشنهادها تأکید کرده و دانش‌آموزان را به آن تشویق کند و مجموعه گردآمده را در کلاس نصب کند.

و) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس، باید از موارد زیر ارزشیابی به عمل آید :

- قرائت و ترجمه آیات
- توضیح دیدگاه منکران معاد
- انجام فعالیت پیام آیات (۱)
- تبیین پیامدهای دیدگاه منکران معاد
- انجام فعالیت بررسی

- توضیح دیدگاه پیامبران الهی
- انجام فعالیت پیام آیات (۲)
- تبیین پیامدهای دیدگاه پیامبران الهی
- توضیح نکات «بیشتر بدانیم»
- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- انجام پیشنهادها
- داشتن دفتر منظم و مرتب
- همکاری و مشارکت در تدریس

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات موردنیاز معلم

در این درس، معلم به اطلاعاتی درباره موضوعات زیر نیاز دارد.

- نظر ادیان الهی درباره معاد
- نمونه‌های ناشی از غفلت و بی‌توجهی به جهان آخرت در دنیای امروز
- نمونه‌هایی درباره نتایج نگرش پیروان ادیان درباره مرگ
- نکات تفسیری آیات آمده در متن درس؛ از جمله: حق بودن خلق آسمان‌ها و زمین، اجل مسمی، غفلت از لقای پروردگار، اخسین اعمال، حبط اعمال، بی‌وزن بودن اعمال کافران در معاد، و فراموش کردن خداوند کافران را در معاد.
- تفسیر اشعار پایان درس.
- از اطلاعات زیر در بخش‌های مختلف این درس نیز می‌توان استفاده کرد.
- نگاه مثبت به مرگ

هر نفس، نو می‌شود دنیا و ما	بی‌خبر از نو شدن اندر بقا
عمر همچون جوی نو نو می‌رسد	مستمری می‌نماید در جسد
شاخ آتش را بجنبانی به ساز	درنظر آتش نماید بس دراز

پس تورا هر لحظه مرگ و رجعتی است

مصطفی فرمود دنیا ساعتی است

مولوی

— ناپایداری دنیا (هشدار به کسانی که به دنیا دل بسته‌اند)

جهان چیست، بگذر ز نیرنگ او	رهایی به جنگ آور از جنگ او
درختی است شش پهلوی و چار بیخ	تنی چند را بسته بر چار میخ
یکایک ورق‌های ما زین درخت	به زیر اوفند چون وزد باد سخت
مقیمى نبینی در این باغ، کس	تماشا کند هریکی، یک نفس
در او هر دمی نوبری می‌رسد	یکی می‌رود دیگری می‌رسد

دیوان نظامی، ص ۸۸۳

حضرت علی (ع) در همین باره می‌فرماید :

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه

۲۳)

«الدُّنْيَا نَعْرٌ وَ تَفْرُّ وَ تَمُرُّ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۵)

— ترس از مرگ

حضرت علی (ع) می‌فرماید :

«فَمَا يَتَجَوَّ مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ»

ترس از مرگ، انسان را از چنگال آن رهایی نمی‌بخشد و شیفستگی و دل بستگی به زندگی، باعث

جاودانگی و بقای انسان در دنیا نمی‌شود. (نهج البلاغه، خطبه ۳۸)

ب) منابع برای معلم و دانش‌آموز

۱- زندگی جاوید و حیات اخروی (جلد ۲ از مجموعه آثار)؛ استاد شهید مطهری، انتشارات

صدرا (معلم و دانش‌آموز)

۲- معاد (جلد ۴ از مجموعه آثار)؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (معلم)

۳- پیام قرآن؛ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۵ (معلم)

۴- انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، انتشارات الزهرا (معلم)

- ۵- معادشناسی؛ علامه حسینی تهرانی، انتشارات حکمت (معلم)
- ۶- پیرامون مبدأ و معاد؛ آیت الله جوادی آملی، انتشارات الزهرا (معلم)
- ۷- حیات جاودانه؛ امیر دیوانی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (معلم)
- ۸- آثار فردی معاد از دیدگاه قرآن؛ اسدالله جمشیدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (معلم)
- ۹- عروج روح؛ محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش آموز)
- ۱۰- قیام قیامت؛ محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش آموز)
- ۱۱- تفسیر موضوعی قرآن؛ جلد ۴ و ۵ (معاد در قرآن)، آیت الله جوادی آملی، انتشارات اسراء (معلم)
- ۱۲- دانش نامه امام علی (مبدأ و معاد)؛ زیر نظر علی اکبر رشاد، جلد دوم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (معلم)
- ۱۳- محاضرات فی الالهیات؛ آیت الله جعفر سبحانی (معلم)
- ۱۴- یاد معاد؛ آیت الله جوادی آملی، نشر فرهنگی رجاء (معلم)



آینده روشن

قسمت اول: کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی : توانایی تبیین دلایل ضرورت معاد و امکان معاد جسمانی
- ۲- اهداف آموزشی :
 - آشنایی با ضرورت معاد و بیان دلایل آن
 - ضرورت توجه به پیام پیامبران درباره آینده انسان
 - توانایی پاسخ به برخی اشکالات درباره معاد جسمانی
 - توانایی تدبیر در آیات درس درباره موضوع مطرح شده.

ب) پیش‌دانسته‌ها

- در این درس، دانش‌آموز بیشتر از مفاهیم زیر استفاده می‌کند :
- ۱- حکمت الهی، این صفت، از اوصاف الهی است که در دو درس اول بدان توجه شده است و دانش‌آموز مفهوم آن را می‌داند؛ گرچه ممکن است از تعریف دقیق و علمی آن عاجز باشد. آن میزان از مفهوم حکمت که دانستن آن برای دانش‌آموز ضروری است، این است که بداند که خداوند کار عبث و بیهوده نمی‌کند و مطابق با علم خود، در هر کاری هدف درست و شایسته‌ای دارد.
 - ۲- عدل الهی؛ از اوصاف الهی است که معنای آن برای دانش‌آموز روشن است.
 - ۳- قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است»
 - ۴- گرایش به جاودانگی و بقا
 - ۵- بی‌نهایت‌طلبی
 - ۶- روح غیرمادی انسان.

ج) اصطلاحات علمی درس

اصطلاحاتی که در این درس به کار رفته است، اغلب جزء پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان است که البته در بحث معاد کاربرد ویژه خود را دارند؛ بیشتر این اصطلاحات در بخش پیش‌دانسته‌ها مطرح شد. «ضرورت معاد»، «امکان معاد»، «استدلال در پرتو حکمت»، «استدلال در پرتو عدل» از دیگر اصطلاحات علمی این درس است.

د) ارتباط با درس قبل

با بررسی نگرش‌های دوگانه درباره مرگ در درس قبل، روشن شد که نگرش ادیان آسمانی که اعتقاد به ادامه حیات انسان پس از مرگ و زندگی جاودانه اوست، نگرشی سازنده و مثبت است و کسانی که به حقیقت، این بینش را داشته باشند، زندگی و مرگ برای آنان معنایی بسیار عمیق خواهد داشت. تاریخ حیات انسان‌ها نیز گواه همین امر است.

در این درس، دلایل صحت این تفکر ارائه می‌شود و اثبات می‌شود که عالم آخرت ضرورت دارد و انسان‌ها حتماً پس از زندگی دنیا، حیات اخروی جاویدی را آغاز خواهند کرد. در واقع، در درس قبل درباره مفید بودن نگرش الهی بحث شد. در این درس به اثبات صحت و درستی آن نگرش می‌پردازیم.

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- قرآن کریم حیات اخروی انسان را حتمی می‌داند و انسان‌ها را به تفکر در آن دعوت می‌کند.
- ۲- قرآن کریم زندگی دنیایی را عبث و بیهوده نمی‌داند و خداوند را از بیهوده‌کاری منزه می‌شمارد.
- ۳- عقل آدمی حکم می‌کند که توجه به خبر انبیا درباره آخرت، ضروری است و هشدار آنان را باید جدی گرفت.
- ۴- اقتضای حکمت الهی، وجود جهان آخرت و بازگشت انسان به سوی خداست.
- ۵- اقتضای عدل الهی وجود جهانی به نام آخرت است تا انسان‌ها به آنچه استحقاقش را دارند، برسند.
- ۶- زنده‌شدن انسان‌ها پس از مرگ با همه قوانین علمی سازگار است و امکان تحقق آن وجود دارد.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت‌یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، مطابق با موارد تعیین شده، از دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

بخش اندیشه و تحقیق و بخش پیشنهاد در درس قبل، زمینه مناسبی برای آماده‌شدن در این درس است. این فعالیت‌ها نشان می‌دهند که دیدگاه الهی دربارهٔ مرگ تأثیر سازنده‌ای بر زندگی انسان دارد و برای زندگی فردی و اجتماعی، هر دو، مفید است. پس از مرور این بحث در ابتدای جلسه، می‌توان درس را این گونه آغاز کرد: درست است که اعتقاد به معاد تأثیر مثبت و سازنده‌ای دارد اما باید بتوانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که:

به چه دلایلی این جهان (پس از مرگ) وجود دارد؟ آیا مفیدبودن این اعتقاد، دلیل بر وجود آن است یا دلایل خاصی برای وجود آن هست؟

ج) اجزای تدریس

تدریس این درس از اجزای زیر تشکیل شده است:

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمهٔ آیات
۲	تبیین ضرورت ورود به بحث معاد
۳	انجام فعالیت پیام آیات (۱)
۴	انجام فعالیت پیام آیات (۲)
۵	اثبات معاد براساس حکمت
۶	انجام فعالیت استدلال
۷	انجام فعالیت پیام آیات (۳)
۸	اثبات معاد براساس عدل الهی
۹	انجام فعالیت استدلال
۱۰	طرح اشکال
۱۱	انجام فعالیت تدبیر در آیات

۱- قرائت و ترجمه آیات

در آغاز تدریس، قرائت آیات درس تمرین می‌شود و ترجمه آیات تکمیل می‌گردد.

۲- تبیین ضرورت ورود به بحث معاد

ابتدا، دبیر قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است» را می‌نویسد و درباره آن گفت‌وگو می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد که کاربرد این قاعده را در زندگی خود بیابند و مثال‌هایی برای آن بیاورند.

سپس بحث را به سمت خبر عظیم پیامبران منتقل کند و درباره عظمت و حساسیت آن توضیح دهد. می‌توان گفت که خبری عظیم‌تر و حساس‌تر از این خبر برای انسان وجود نداشته است. خداوند صد و بیست و چهار هزار پیامبر را مأمور این خبر کرده و به شیوه‌های گوناگون درباره آن انداز داده است. هرکس می‌تواند اندکی با خود تأمل کند و عظمت این خبر را از طریق مقایسه دریابد. ما نیز می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم که این خبر را با هر خبری که می‌خواهند مقایسه کنند: خبر مرگ همه اقوام و خویشان، خبر آمدن زلزله، خبر قبولی در کنکور، خبر رسیدن به بهترین همسر و بهترین ثروت و... هیچ کدام قابل مقایسه با خبر وجود جهان آخرت نیست.

سپس این سؤال را مطرح کنیم که «آیا ما به اندازه کافی نسبت به این خبر حساسیت نشان می‌دهیم؟، چرا پیامبران حاضر بودند به خاطر رساندن این خبر و ایستادگی و تأکید بر آن جان خود را به خطر اندازند و برخی هم شهید شوند؟»

با این چرخش، خبر پیامبران را روی تابلو می‌نویسیم و آن را با قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است»، مقایسه می‌کنیم.

در بیان این قاعده، از گفت‌وگوی امام کاظم (علیه السلام) با کسی که منکر معاد بود، استفاده کنید. امام کاظم (ع) به وی فرمود: «یا قیامت حقیقت دارد یا ندارد. اگر حقیقت داشت، من که مطابق دستور پیامبران عمل کرده‌ام، نجات می‌یابم و برای همیشه رستگار می‌شوم، اما تو برای همیشه زیان می‌بینی. و اگر حقیقت نداشته باشد، نه من ضرری می‌بینم و نه تو به سودی می‌رسی؛ پس عاقلانه این است که به قول پیامبران عمل کنیم.»

۳- انجام فعالیت پیام آیات (۱)

در اینجا، دانش‌آموزان به تدبیر در آیات می‌پردازند تا خبر قیامت را در قرآن کریم بیابند و به اهمیت خبر توجه کنند.

در آیه ۸۷ سوره نساء، بعد از بیان یگانگی خداوند (توحید)، خبر از روز قیامت می‌دهد و حتمی

بودن آن را به چند صورت تأکید می‌کند؛ یکی با «لام» که در ابتدای «لیجمعنکم» آمده، دیگری با نون تأکید، سوم با آوردن عبارت «لاریب فیه» و چهارم با این بیان که این خبر از خداست و او راستگوترین است.

در پاسخ به سؤال دوم، دانش‌آموزان باید به این نکته اشاره کنند که چون این خبر از خداست و حتمی است، عقل ما حکم می‌کند که نه تنها آن را بپذیریم، بلکه باید بکوشیم درباره آن اطلاعات بیشتری به دست آوریم و بدانیم چگونه باید خود را برای آن روز آماده کنیم که زیان نبینیم.

خوب است در اینجا این داستان را نیز برای دانش‌آموزان بازگو کنیم: در سال سوم بعثت که خداوند به رسول خدا (ص) فرمان داد تا دعوت خود را علنی کند، آن حضرت مردم مکه را به کنار کوه صفا فراخواند و پس از این که آنان به راستگویی، صداقت و امین بودن ایشان اقرار کردند، به آنان فرمود که اگر به شما بگویم در پشت این کوه دشمن کمین کرده و آماده حمله به شهر است، باور می‌کنید؟ همه گفتند آری ما باور می‌کنیم. زیرا تاکنون جز راستی از تو نشنیده‌ایم.

رسول خدا آنان را به روز قیامت انداز داد و فرمود که شما پس از مرگ به جهان دیگر می‌روید و در آنجا نتیجه اعمال خود را دریافت می‌کنید.

پس از آن به دانش‌آموزان توضیح می‌دهید که البته قرآن کریم به خبر دادن از آخرت و حساب روز قیامت اکتفا نکرده و برای آن دلیل آورده است. یک دلیل از راه حکمت الهی است و دیگری از طریق عدل الهی.

دبیران محترم توجه دارند که معاد، پس از پذیرش توحید است. زیرا در هر دو برهان معاد، از توحید استفاده می‌شود و همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، وجود خداوند در هر دو برهان فرض شده است. پس پایه و اساس معاد، اصل توحید می‌باشد.

۴- انجام فعالیت پیام آیات (۲)

در این فعالیت، دانش‌آموزان به سراغ آیاتی می‌روند که ضرورت معاد را براساس حکمت الهی بیان می‌کنند.

در آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون، خداوند اعلام می‌کند که ما جهان را به عبث نیافریده‌ایم. و به همین جهت به سوی ما بازمی‌گردید. فعل عبث به معنای فعل بدون هدف است. و کار بدون هدف از کسی که حکیم باشد، سر نمی‌زند. در مقابل، فعل حکیمانه، فعلی است که دارای هدف درست و معقول باشد. در حقیقت، مقصود از این آیه، آن است که چون خداوند حکیم است، فعل عبث انجام نمی‌دهد و آفرینش انسان‌ها هدف‌دار بوده و همه به پیشگاه خداوند می‌روند.

در آیه ۲۷ سوره ص نیز خداوند از کلمه «باطل» استفاده کرده و فرموده که ما آسمان‌ها و زمین را به باطل نیافریده‌ایم. مقصود از باطل نیز در اینجا عبث و بی‌هدف بودن است. خداوند هشدار می‌دهد که فقط کافران به معاد این‌گونه گمان می‌کنند و چون خود را برای آن آماده نمی‌نمایند، گرفتار عذاب و آتش قیامت می‌گردند.

۵- اثبات معاد بر اساس حکمت

در این مرحله، دبیر باید به شکل تحلیلی، استدلال قرآن کریم را توضیح دهد تا دانش‌آموزان بهتر به استدلال قرآن پی ببرند. بیان قرآن کریم یک بیان عمومی و برای همگان است به همین جهت به سادگی بیان می‌فرماید «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً...؟» و در همین بیان ساده مهم‌ترین استدلال معاد نهفته است.

اساس استدلال بر حکمت الهی است. پس از پذیرش خداوند و قبول حکیمانه بودن فعل او، می‌پذیریم که هر فعلی از او سرزند، دارای غایت و هدف است. چون جهان و انسان فعل خدا هستند، هدف حکیمانه‌ای دارند.

در این استدلال، بیش‌تر باید به سراغ انسان برویم و ویژگی‌های او را موردنظر قرار دهیم تا معاد انسان بهتر روشن شود. انسان ویژگی‌هایی دارد مانند «گرایش به بقا» و «بی‌نهایت‌طلبی». خداوند حکیم این دو گرایش را بی‌سبب در ما قرار نداده است و اگر زندگی باقی و ابدی برای او در پیش نباشد، این دو ویژگی، عبث و بیهوده می‌شوند.

۶- انجام فعالیت استدلال

از دانش‌آموزان می‌خواهیم با توجه به توضیحاتی که داده‌ایم ضرورت معاد را از راه استدلال حکمت بیان کنند. شکل استدلال، هم می‌تواند منطقی، یعنی مرکب از دو مقدمه و یک نتیجه باشد. و هم می‌تواند مرکب از یک مقدمه توضیحی و یک نتیجه باشد.

دبیر از برخی دانش‌آموزان یا برخی گروه‌ها می‌خواهد که استدلالشان را بخوانند. دبیر، استدلال آن‌ها را بررسی و اصلاح می‌کند تا متوجه صورت صحیح استدلال شوند. این استدلال می‌تواند به صورت زیر باشد:

اگر خداوند حکیم استعداد چیزی را در انسان قرار دهد، امکان رسیدن به آن را هم برای او فراهم می‌کند. خداوند استعداد بی‌نهایت‌طلبی و میل به کمالات مطلق و گرایش به بقا و جاودانگی را به انسان عنایت کرده است.

پس خداوند برای رسیدن انسان به این استعدادها و کمالات، علاوه بر این جهان، جهان آخرت

را آفریده تا دفتر زندگی انسان با مرگ بسته نشود و بتواند به آن کمال‌هایی که در دنیا برای آنها تلاش کرده، برسد.

۷- انجام فعالیت پیام آیات (۳)

بار دیگر دانش‌آموزان به تدبر در آیات می‌پردازند تا آیات مربوط به اثبات معاد براساس عدل الهی را بیابند.

در آیه ۲۸ سوره ص، خداوند به نحو استفهام انکاری از منکرین معاد می‌پرسد: آیا می‌شود که ما مؤمنینی را که عمل صالح انجام می‌دهند با فسادکنندگان روی زمین یکی بگیریم؟ یا متقین را با فجّار مساوی قرار دهیم؟ نه نمی‌شود، زیرا این با عدل خداوند منافات دارد. بنابراین باید سرای دیگری باشد تا مؤمنان و صالحان و متقین پاداش بگیرند و مفسدین و گناهکاران عذاب شوند.

۸- اثبات معاد براساس عدل الهی

دبیر، مقدمات برهان عدل، مفهوم عدل و عادلانه بودن اساس عالم را توضیح می‌دهد، بدون اینکه بخواهد درباره عدل و سؤال‌های مربوط به آن بحث کند. البته ممکن است که در اینجا دانش‌آموزان درباره وجود اختلاف‌ها، تبعیض‌ها و عیب و نقص‌های ظاهری موجود در جهان سؤالاتی طرح کنند. به‌طور خلاصه توضیح می‌دهیم که آنچه در جهان مشاهده می‌کنیم تفاوت است، نه تبعیض. و اگر هم خداوند در جایی نعمتی را از کسی دریغ کرده، حکمتی دارد که ما از آن اطلاع نداریم و اگر انسان، در عین اینکه آن نعمت را ندارد، وظیفه‌اش را درست انجام دهد، خداوند پاداش مضاعف به او می‌دهد تا جبران آن نقص باشد.

سپس می‌گوییم اصولاً ظلم درباره خدا معنا ندارد. زیرا کسی به سوی ظلم می‌رود که میل و خواستی دارد که می‌خواهد به آن برسد و چون می‌بیند از راه عادلانه نمی‌رسد، هوای نفس او را تحریک می‌کند تا به مردم ظلم کند. اولاً خداوند کمبودی ندارد که بخواهد به آن برسد. ثانیاً هوای نفس ندارد که او را تحریک کند و به ظلم بکشانند. لذا آنچه به ظاهر برای ما تبعیض جلوه می‌کند حکمت‌هایی دارد که برای ما روشن نیست.

پس از توضیحات لازم درباره عدل، به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم که زندگی دنیایی انسان به‌گونه‌ای است که ظرفیت دادن همه پاداش‌ها و مجازات‌ها را ندارد. از خود دانش‌آموزان می‌خواهیم که نمونه‌های آن را بیان کنند.

۹- انجام فعالیت استدلال

بار دیگر دانش‌آموزان براساس صحبت دبیر، می‌کوشند که این توضیحات را در قالب یک استدلال، به صورت مقدمه و نتیجه ارائه کنند، حال یا با یک مقدمه و یک نتیجه و یا دو مقدمه و یک نتیجه. مقدمه آنان می‌تواند حاوی نکات زیر باشد:

— ظرفیت این جهان برای مجازات بسیاری از ستم‌ها و پاداش بسیاری از نیکوکاری‌ها محدود است. اما چون خداوند عادل است، نمی‌شود که انسان‌ها با مرگ نابود شوند و به خاطر ستمی که کرده‌اند یا کار نیکي که نموده‌اند، مجازات و پاداش داده نشوند.

نتیجه اینکه: پس از این جهان، خداوند جهان آخرت را آفریده تا هرکس به مجازات و پاداش لایق و شایسته خود برسد.

۱۰- طرح اشکال

در اینجا، دبیر به طرح یک اشکال می‌پردازد که معمولاً منکرین معاد آن را طرح کرده‌اند و قرآن کریم در موارد متعددی به آن جواب داده است. بعضی از انسان‌ها، در گذشته گمان می‌کردند که چیزی جز همین بدن نیستند و وقتی هم می‌میرند، بدنشان به تدریج در خاک مضمحل و نابود می‌شود؛ از این رو بعید می‌دانستند که آنچه از بین رفته و نابود شده، دوباره خلق و زنده شود. قرآن کریم در پاسخ به این موضوع به دو نکته توجه می‌دهد:

اول اینکه انسان فقط جسم نیست. حقیقت اصلی انسان روح و نفس اوست، و این حقیقت در هنگام مرگ از بین نمی‌رود و توسط فرشتگان دریافت می‌شود.

دوم اینکه، درست است بدن انسان فرسوده و متلاشی می‌گردد. اما خداوند می‌تواند بدن انسان را دوباره زنده کند و به روح بازگرداند.

۱۱- انجام فعالیت تدبیر در آیات

همان‌طور که توضیح داده شد، قرآن کریم این اشکال را به دو گونه پاسخ می‌دهد. یک پاسخ مربوط به توقی روح است که در کتاب درسی، شرح آن آمده است. پاسخ دوم مربوط به امکان معاد جسمانی است که نشانی آیات آن در فعالیت «اندیشه» آمده است. از دانش‌آموزان بخواهید پاسخ را با مطالعه آن آیات استخراج کنند.

دسته اول آیات، به قدرت بی‌پایان الهی اشاره دارد (آیات ۳ و ۴ سوره قیامت). خداوند در این آیات می‌فرماید که ما قدرت داریم حتی خطوط سر انگشتان شما را آن چنان که قبلاً خلق شده است، دوباره خلق کنیم.

توجه داشته باشیم که وقتی از قدرت بی‌پایان الهی سخن می‌گوییم، منظور از آن، قدرت بر انجام دادن کار محال نیست. فعل خداوند بر محال تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا اصولاً محال امر عدمی است و عدم چیزی نیست که فعل بدان تعلق بگیرد. البته این بحث ضرورتی ندارد که در کلاس طرح شود.

دسته دوم (آیات ۷۸ و ۷۹ سوره یس)، آیاتی هستند که به خلقت اولیه انسان اشاره دارند. خداوند در این دسته از آیات می‌فرماید همان‌طور که ما قادر به خلق انسان‌ها از خاک بودیم، بار دیگر نیز از همین خاک آنها را خلق خواهیم کرد.

دسته سوم (آیات ۹ سوره فاطر و ۱۹ سوره مریم)، آیاتی هستند که از «زنده شدن زمین پس از موت»، به عنوان یک تمثیل استفاده می‌کنند. در این آیات، خداوند می‌فرماید: همان‌طور که گیاهان و درختان روی زمین در فصلی خشک می‌شوند و بخشی از زمین، حالت سرزمین مرده را به خود می‌گیرد و در فصلی دیگر دوباره گیاهان می‌رویند و زمین سرسبزی و نشاط دوباره می‌یابد، حشر و نشر انسان‌ها در قیامت نیز چنین است.

با توجه به آسان بودن این فعالیت، کافی است که چند جلد قرآن کریم دارای ترجمه به کلاس آورده شود و هر گروه یا برخی افراد، مسئول پیدا کردن آیات دسته اول، برخی مسئول پیدا کردن آیات دسته دوم و برخی هم مسئول پیدا کردن آیات دسته سوم شوند. با انجام دادن این فعالیت و یافتن دلایل امکان معاد جسمانی، بحث پایان می‌یابد.

د) اندیشه و تحقیق

سؤال‌های اول و دوم اندیشه و تحقیق، همان دلایل ضرورت معاد است که به دلیل اهمیت این بحث، از دانش‌آموزان می‌خواهیم استدلال این بحث را در دفتر کار خود یادداشت کنند تا بتوانند آنرا در جلسه بعد در کلاس به خوبی توضیح دهند.

سؤال سوم برای جلب توجه دانش‌آموزان به عواقب اعمال نیک و بد است. ذکر برخی از کارهای نیک و عواقب زیبای آنها و نیز ذکر برخی از کارهای زشت و پیامدهای تلخ آنها انگیزه دانش‌آموزان را برای رفتن به سوی نیکی‌ها و دور شدن از بدی‌ها افزایش می‌دهد.

ه) پیشنهاد

پیشنهاد اول، تحقیقی درباره عَزَّیر پیامبر (ع) و زنده شدن مردگان است. برای انجام دادن این

پیشنهاد، ابتدا دبیر اطلاعاتی دربارهٔ عزیر پیامبر (ع) به دانش‌آموزان می‌دهد، سپس از آنها می‌خواهد که دربارهٔ آیه شریفه تحقیق کنند.

پیشنهاد دوم یک تحقیق قرآنی است که دانش‌آموزان با تأمل در آیات، انگیزه‌های انکار معاد را بررسی می‌کنند. آیات ۴۵ تا ۴۸ سورة «واقعہ»، سرگرم کامرانی و نازپروردگی بودن، اصرار در انجام دادن گناه و پیروی از عقاید غلط گذشتگان، آیه ۵ سورة قیامت، اصرار در بدکاری و فساد و آیات ۱۱ و ۱۲ «مطففین» تجاوزکاری و گناه‌کاری را زمینهٔ انکار معاد معرفی می‌کند.

پیشنهاد سوم یک تحقیق قرآنی است دربارهٔ آیات ۲۱ و ۲۲ سورة جاثیه. در این دو آیه ضرورت معاد براساس عدل الهی تبیین شده است.

و) ارزشیابی از میزان یادگیری

- قرائت و ترجمهٔ آیات
- تبیین رابطهٔ عقل و خبر پیامبران
- استخراج پیام آیات (۱)
- استخراج پیام آیات (۲)
- تبیین ضرورت معاد براساس حکمت الهی
- انجام فعالیت استدلال
- استخراج پیام آیات (۳)
- تبیین ضرورت معاد براساس عدل الهی
- انجام فعالیت استدلال
- توضیح اشکال طرح شده
- استخراج پیام آیات در فعالیت «تدبر»
- پاسخ به سؤالات بخش اندیشه و تحقیق
- انجام پیشنهادها
- مشارکت و همکاری در تدریس
- دفتر منظم و مرتب

الف) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- معنی شعر ابتدای درس : شعر (ما ز بالایم و بالا می‌رویم/ ما ز دریایم و دریا می‌رویم)، از مبدأ و مقصد انسان و یکی بودن آن سخن می‌گوید. مقصد انسان، همان مبدأ او، یعنی خدا، است. شاعر در مصراع اول از مبدأ و مقصد با تعبیر «بالا» و در مصراع دوم با تعبیر «دریا» یاد می‌کند؛ کلمه «بالا» برای بیان برتری و صعود و کلمه «دریا» برای بیکرانگی و عظمت آمده است.

۲- تفسیر آیات درس : در تفسیر آیات این درس باید به نکات زیر توجه کرد؛ جمع همه انسان‌ها در قیامت، صادق بودن خداوند در گفتار و عدم امکان راه‌یابی دروغ در قول خداوند، رابطه تقابلی میان عبث‌بودن خلقت و بازگشت انسان به سوی خدا، رابطه حق‌بودن خداوند و عبث‌نبودن خلقت و مساوی‌شدن مفسدان و مؤمنان در صورت نبودن معاد.

۳- قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است»؛ در بیان این قاعده، باید به نکات و شبهاتی که به ذهن دانش‌آموز می‌رسد، توجه کرد؛ البته بدون این که ما خود در طرح آن پیش‌قدم شویم و آن‌را در کلاس مطرح کنیم. دانش‌آموز ممکن است ایثار و شهادت را با این موضوع در تعارض بداند و بگوید که انسان ایثارگر خطر را می‌پذیرد و به استقبال آن می‌رود؛ درحالی که عقلاً نباید چنین کاری را انجام دهد.

در اینجا قاعده دیگر، یعنی قاعده «مهم و اهم» مطرح می‌شود؛ وقتی که انسان در مقابل دو خطر قرار می‌گیرد که یکی از دیگری مهم‌تر (یعنی اهم) است، خطر مهم را رها می‌کند و به دفع خطر مهم‌تر می‌پردازد. انسان ایثارگر چون حفظ جان انسان‌ها یا دفاع از دین، عدل و کشور را از جان خود مهم‌تر می‌داند، جان خود را برای آنها ایثار می‌کند.

۴- در برخی از کتاب‌های مربوط به معاد، ابتدا «امکان» معاد اثبات شده و سپس برای «ضرورت» آن، ادله اقامه می‌شود؛ زیرا تا امکان چیزی اثبات نشود، نمی‌توان درباره «ضرورت» آن سخن گفت. دبیران محترم باید توجه کنند که در اینجا باید میان «امکان» و «ضرورت» عقلی با «امکان» و «ضرورت» وقوعی تفاوت قائل شوند. درست است که هر چیزی برای اینکه ضرورت وجود پیدا کند، باید یک امر ممکن باشد و امر «محال» هیچ وقت ضرورت وجود پیدا نمی‌کند؛ به تعبیر دیگر، ممتنع‌الوجود، واجب‌الوجود بالغیر نمی‌شود. اگر امری ممکن‌الوجود باشد، اقتضای آن را دارد که واجب‌الوجود بالغیر شود؛ یعنی، اگر علت آن پیدا شد، ضرورت بالغیر پیدا کند و موجود شود. در این موارد است که اثبات امکان، مقدم بر اثبات ضرورت است؛ برای مثال، «انسان» موجودی است که در مفهوم

ممکن الوجود است و امکان او بر ضرورتش تقدم عقلی دارد. همین انسان به علت اینکه اراده الهی به موجود شدن آن تعلق گرفته، موجود شده است.

اما بحث معاد از این قبیل نیست؛ یعنی، کسی نگفته است که معاد به طور عقلی و منطقی امر ممنوع الوجودی است تا ما ابتدا به اثبات ممکن الوجود بودن اقدام کنیم بلکه اشکال درباره معاد، اشکال در وقوع معاد جسمانی است؛ بدین معنا که می گویند برای وقوع معاد جسمانی مانع وجود دارد. آنان می گویند جسم انسان ها بعد از پراکنده شدن و اضمحلال، قابل جمع آوری نیست.

ضرورتی که در این جا از آن سخن می گوئیم، همان ضرورت منطقی نیست بلکه ضرورت در این جا بدان معناست که اقتضای خداوندی خدا و حکمت و عدل او این است که معادی در پیش باشد. منکران می گویند، قبول است که اقتضای حکمت و عدل خداوند، وجود معاد است اما این کار به دلایل خارجی، نشدنی است؛ زیرا نمی توان اجسام پراکنده انسان ها را جمع آوری کرد.

در حقیقت، انکار منکران به معنای وارد کردن یک شبهه در موضوع معاد است که باید پس از اثبات اصل ضرورت معاد، به رفع آن شبهه اقدام شود؛ به همین جهت، در کتاب درسی ابتدا ضرورت اصل معاد اثبات شده و سپس به رفع آن شبهه پرداخته شده است.

۵- قرآن کریم درباره امکان معاد جسمانی، انسان ها را به طرق مختلف راهنمایی می کند. متکلمان و فلاسفه نیز در این باره برهان هایی آورده اند. برخی از این برهان ها، تفسیر و توضیح همان راهنمایی های قرآنی است.

استدلال اصلی قرآن کریم، بر «قدرت مطلق الهی» استوار است. قدرت مطلق الهی می تواند استبعادها را بشکند و موانع را بردارد. انسان با قدرت محدود و عقل محدود خود نمی تواند به مرده حیات بخشد یا ذرات پراکنده بدن را جمع آوری کند.

همان طور که قبلاً گفتیم، بحث در «قدرت مطلق الهی» این شبهه را نیز به دنبال خود دارد که آیا خداوند بر هر کاری از جمله کار محال هم تواناست یا خیر.

در اشکالاتی از این قبیل باید موقعیت را در نظر گرفت و پس از مخاطب سنجی، به آن پاسخ گفت؛ چنان که امام معصوم (ع) چنین کرده است. فردی معمولی از امام (ع) پرسید که آیا خداوند می تواند جهان را در تخم مرغی قرار دهد که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک شود؟ امام (ع) با ذکر یک تمثیل به او جواب داد و فرمود که بله، خدا می تواند؛ خداوند چشم انسان ها را طوری آفریده است که تصویر صحنه های بسیار بزرگ در آن قرار می گیرد، بدون این که چشم بزرگ شود یا انسان آن صحنه ها را کوچک ببیند.

امام (ع) در پاسخ به یک دانشمند که همین سؤال را پرسیده بود، فرمود که فعل خداوند به امر محال تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا امر محال یک امر عدمی است و فعل خداوند شامل آن نمی‌شود.

به عبارت دیگر، برای موجود شدن یک چیز، دو شرط لازم است: فاعلیت فاعل و قابلیت قابل. گاهی فاعل توانایی دارد اما قابل، قابلیت وجود ندارد. این جواب، مناسب ذهن برخی دانش‌آموزان نیست؛ مگر این که دیر مهارت کافی برای پایین آوردن سطح مطلب داشته باشد.

۶- در بیان قاعده عقلانی «رفع خطر احتمالی ضروری است»، مناظره امام کاظم (ع) با شخصی که منکر معاد بود، بسیار ره‌گشا و هدایت‌کننده است.

۷- از آیات و اشعار زیر می‌توان در این درس استفاده کرد.
- تفاوت روز قیامت با دنیا:

«الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ»

امام علی (ع)، نهج البلاغه: خطبه ۴۲

- معاد در پرتو عدل الهی:

قیامت بهر این آمد مقرر	که ظلم و عدل هر دیندار و کافر
شود در پیش هر کس آشکارا	که شاید این سزا را یا جزا را

(دیوان رفعت سمنانی، ص ۴۵۷)

- در اندیشه فردا بودن:

از دم سرد خزان برگی که می‌افتد به خاک از جهان، بی‌برگ رفتن یاد می‌آرد مرا
(صائب تبریزی)

رهی دور است اما بعد مرگت	از این جا بُرد باید زاد و برگت
اگر در دست و گردمان از اینجاست	که زاد راه بی‌پایان از اینجاست

(خسرونامه عطار نیشابوری ص ۲۷۶)

عاقبتی هست بیا پیش از آن	کرده خود بین و بیندیش از آن
روز قیامت که بود داوری	شرم نداری که چه عذر آوری

(دیوان نظامی گنجوی، ص ۵۵)

ب) منابع برای معلم و دانش‌آموز

منابع این درس همان منابع درس پیش است.